بیاد ۱۷ دی

زن در قرن بیستم

نگارنده :

خانم قریش [illegible]

۱۷ دی ۱۳۱۶

چاپخانه ایران

بیاد ۱۷ دی

زن در قرن بیستم

خانم تربیت

۱۷ دی ۱۳۱۶

چاپخانهٔ ایران
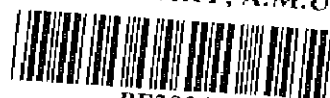
رسالهٔ «زن درقرن بیستم» که بخشی است از «تاریخ جهان‌زنان» تألیف نگارنده وهنوز بطبع نرسیده‌بسپاسگذاری و تجلیل روز پیروز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ که شاهنشاه عظیم‌الشأن وبزرگوار ایران **اعلیحضرت‌همایون رضاشاه پهلوی** در عصر درخشندهٔ خود زنان ایران را از زبونی و اسارت‌خلاصی‌داده و آزادی بخشیده و آنهارا بسوی‌پیشرفت و تعالی راهنمائی و ارشاد فرموده‌اند منتشر و بجامعهٔ‌بانوان ایران‌تقدیم میشود .

زن در قرن بیستم

در قرنهای هیجدهم و نوزدهم زنها
قدمهای وسیع و برجسته ای در جاده علم
وادب و صنعت و عمل برداشته و توانستند
موقعیت اجتماعی خود را نسبت به سابق
محکمتر نموده و اثبات شده را بجهانیان
ثابت نمایند که نه تنها در اداره خانه و
پرورش فرزندان [illegible]
مستعد هستند بلکه چون رشته ای از علوم
و فنونی که وارد می شوند [illegible]
باندازه مردان در آن رشته ابراز هنر و
استعداد نمایند ، ولی بعلت ناشی عادات
[illegible] زندگانی زن و مرد تا اواخر
قرن [illegible] و تقریباً در
همه ممالک [illegible] اندرونی و بیرونی
برقرار و حکمفرما بود و مردها در امورات
اجتماعی بزنها حق مداخله نداده و خود
را طبقه آمر و حاکم میدانستند ، اما
در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم
با پیشرفت های سریع تمدن و تکامل افکار
و عقاید راجع به طرز و روش زندگی
زنها ملتفت شدند که برای سعادت جنس
بشر و سلامتی فرزندان خود باید در امورات
اجتماعی شرکت جسته و در گشایش مشکلات
زندگی از [illegible] مادی و معنوی نسبت
بمردان دریغ روا ندارند و مردها نیز
متوجه این نکته شدند که اگر از تدابیر
و فعالیت این رفیق زندگی در کارهای
اجتماعی نیز یاری ومساعدت بطلبند پیشرفت
آنها سریعتر ورفاه و سعادت آنها کاملتر
خواهد بود بدینجهت بواش بواش زنها از
گوشه های خلوت و انزوا بیرون آمده و
[illegible] و رخوت در سکوت و خموشی
نشستن [illegible] میان چهار دیوار بکار های
[illegible] مشغول شدن خودرا
[illegible] داده در میدان کار و فعالیت شروع
[illegible] نمودند ولی تا موقع جنگ بین
المللی [illegible] عرصه سعی و عمل شدن خانم
ها باندازه کافی و تسخیر ناقص شده و بسیاری
از مخالفین این جنس فعالیت و شرکت
بانوان را در حیات اجتماعی یک امر بیجا
زائد دانسته ودائم در گوشه های ساکت
خانه نشستن لباس شستن و جارو کردن و
آبگوشت مهیا نمودن خانم ها را صحیح و
معقول ومطابق قانون خلقت وطبیعت خیال
کرده ومی پنداشتند که زنها تنها برای
انجام چنین کارها خلق شده و بی جهت
زائد بر وظیفه خود کار کرده وعرصه فعالیت
را بر مردان تنگ می نمایند ولی موقعیکه
یک مرتبه آتش جانسوز جنگ بین المللی
بدامن تمام ملتها سرایت نموده و اولین
گلوله ها و خمپاره ها از زمین و آسمان

جنگی نیز داخل گردیده و کمک های
شایانی به مردها نمود در زیر بارش گلوله
ها از زخم دیدگان پرستاری و محافظت کرده
و هزاران هزار زن امین در یافت مزد و یا
در موقع احتیاج در مقابل مزد نا چیزی و
قلیلی برای افراد قشون لباس می دوختند و زنان
دارا و متمول اتصالا به افراد ارتش تحف
و هدایائی فرستادند
در کشور انگلیس زنها در مدت جنگ
همت و جدیت غریبی نشان دادند برای
اینکه صادرات آلمان را بکشور خودشان
متوقف ساخته و منبعد احتیاج ملزومات قشون
را رفع کنند از منابع کارخانجات آلمان
کاملا صرف نظر نموده و آنچه که خود
داشتند با آن قناعت ورزیده و در این
خصوص بدولت مساعدتهای زیادی کردند
و خود وارد کارخانها شده و بکار مشغول
گردیدند در خدمات عام المنفعه و بهداشت
قشون و افراد فوق العاده جدیت نمودند
مانند «خانم نایتینگل» معروف انگلیسی
که در سال ۱۸۵۰ در جنگ کریمه در قشون
بوده و مریضخانه‌های سیار و صندوق‌های
منظم را ایجاد و متداول نمود در جنگ
عمومی نیز بسیاری از بانوان انگلیسی در
صلیب احمر قشون شرکت جستند .
زنان سایر کشورهائی هم که وارد
جنگ شده بودند مانند زنان انگلیس از
هر گونه فداکاری و خدمت در راه نجات
کشور خود کوتاهی نکردند ، در بلژیک
ملکه الیزابت قصر خود را به مریضخانه
تبدیل داده و خود لباس پرستاری پوشیده
و شروع بمواظبت و پرستاری مجروحین
کرد در مزارع و املاک خود پناهگاهی برای
یتیمان و بیچیزان تاسیس نموده و در موقع
جنگ مخصوصا در زیر باران گلوله‌ها وارد
قشون شده بین افراد آن آذوقه و هدایائی
تقسیم و آنها را تشویق و تشجیع میکرد
در آمریکا زنها در جنگ بین المللی
بسیار غیرت و همت بخرج داده و تنها با
خدمت در امورات خود اکتفا نکرده بلکه
در تمام امورات اجتماعی مساعی و مجهودات
خویش را مصروف می داشتند دختران
جوان آموزشگاهها و تحصیلات خود را
ترک گفته وارد اداره‌ها و کارخانها شده و
برای قشون مهمات و آذوقه جنگی تهیه مینمودند
و جمعیت صلیب احمر زنان از مجروحین
و خانواده‌ها کمک و دستگیری میکرد .
زنان اتریش و آلمان هم در مقابل
دشمن فوق العاده جدیت و پافشاری نموده
تمام زنان نجیبه و اشراف آلمان و درجلو
آنها زن ویلهلم آلمان در هر خدمتی که
دولت بوجود آنها احتیاج داشت وارد
شده و کار کردند و در آن موقع عده کار-
گران زن در آن کشور به نسبت صدی
هفتاد و پنج نفر رسیده بود حتی امپراتریس
آگوستا ویکتوریا شخصا وارد خدمات
ارتشی شده و کار میکرد و در قشون رتبه
کاپیتانی را احراز نموده بود .
خلاصه چنانچه بسیاری از قوای
مجهول طبیعت مانند الکتریسیته و رادیو
و بی‌سیم و غیره که تا قرن بیستم مجهول
مانده بود و در این قرن بقدرت و منافع
عظیم و فوائد بیشمار این قوا پی برده
شده و کشف گردید قدرت و قوه زن نیز
در کارها و امورات اجتماعی از آن مطالبی
بود که تا آنوقت بقدر و قیمت حقیقی و
ارزش واقعی او پی برده شده و جنگ
بین المللی هم یکی از آن عوامل عمده‌ای

بود که بکشف و پدیدار شدن این قدرت کمک کرد .

در قرن بیستم در وضعیت شخصی و اجتماعی زن تحولات وتبدلات زیادی رخ داده وجسم و روح او درتحت تاثیر نیکوی این تغییرات پیشرفت ونمو سریعی نمود واز قید بندها و فشارهای گوناگون که عادات غلط قرنها بدو تحمیل کرده بود خودرا خلاصی داده واز هوای فرح بخش آزادی روح و دماغ و پیکر او نضج کامل یافت و دوشا دوش مردان قدم در جامعه ترقی و تعالی گذاشت که در این مقال از ترقیات ونهضت های زنان درقرن بیستم و چگونگی توفیق و کامیابی آنها مختصرا ذکر خواهیم کرد .

درانگلستان — دراواخر قرن نوزدهم نهضت های زنان در امریکا و مجاهدت و جدیت بانوان در کسب حقوق خود و فتح وفیروزی آنها درآزادی و دریافت تمام حقوق اجتماعی زنان انگلستان را نیز بحرکت و هیجان انداخته و بسیاری از بانوان دانشمند و سخنوران بجای افتاده درتنویرافکار جامعه زنان وتحریک وتشویق آنها شروع باقداماتی کرده و بواش بواش زمینه کاررا فراهم نمودند .

از تاریخ ۱۹۰۵ ببعد قطعیه نهضت زنان درانگلستان جنبه سیاسی بخود گرفته که یکی از پیشوایان معروف این نهضت « خانم پانکهرست » است که « جمعیت سیاسی واجتماعی اتحاد زنان» را تاسیس داد واین جمعیت ازاحزاب محافظه کاران وکارگران هم یاری ومساعدت میدید بانوی مذکور برای تبلیغ افکار خود روزنامه را تاسیس کرد که روزانه ۳۰۰۰۰ نسخه چاپ ومنتشر میشد و اعضاء این مجمع در مدت پنج سال متجاوز از ۵۰۰ر۰۰ جلسه منعقد ساخته وبرای استرداد حقوق خود سخت جدیت وپافشاری کردند .

در سال ۱۹۰۶ یکی از وکلای حزب کارگر لایحه‌ئی برای داده شدن حق انتخاب بزنها بمجلس اقدام نمود ولی بعلت مخالفت های عده زیادی وخصوصا بواسطهٔ مخالفت شدید مستر اسکویت این لایحه در مجلس رد شد اما زنها ازاین واقعه نومید نگشته و از مبارزات و تقاضا های خود دست برنداشته درسالهای بعد بالخصوص درسال های ۱۹۱۱و۱۲و۱۳ جدا مشغول تبلیغات افکار خود بودند ولی وقتیکه سال ۱۹۱۴ رسید و جنگ بین المللی شروع کرد آن وقت زنها تمام مسائل شخصی را کنار گذاشته قوای خود را با قوای دولت یکی نموده برای موفقیت وغلبهٔ کشور و ملت خویش بالکال حرارت و غیرت شروع بخدمت و فداکاری نمودند حتی خانم پانکهرست مذکور تنها بانصیحت و تشویق بانوان کشور خود اکتفا نکرده بروسیه که درآن وقت یکی از متحدین انگلستان درجنگ بود مسافرت کرده وبانوان آنسرزمین را برای خدمت بر تاری وکمک بقشون تشویق میکرد .

در تاریخ ۱۹۱۷ « مستر والتر لونگ » معاون وزارت مستعمرات در اصلاح شکل انتخابات وداده شدن این حق بعموم افراد کشور بدون تفاوت جنس لایحه‌ای بمجلس شورای ملی داد اینقدمه «مادام ... مستر اسکویت » که سابقا از مخالفین زنها بوده

ولی در سنوات جنگ مجاهدت و مساعدت زنان را در امورات لشکری و کشوری برای العین مشاهده نموده بود یکی از موافقین و مدافعین زنان گشته و از این رای موافقت را داد و این لایحه با ۳۸۵ رای موافق در مقابل ۵۵ رای مخالف قبول و تصویب گردید .

بعد در سال ۱۹۱۸ قضیه در مجلس لوردها نیز مطرح شده و در آن مجلس هم یکی از یاران و موافقین زن «لورد هالدن» بلند شده با کمال حرارت از حقوق زنان دفاع نموده و چنین گفت «در جنگ عمومی اگر مساعدت و مقاومت زنها نبود ما هرگز نمی توانستیم فیروز شده و هم زنها از عهده واجبات ملی و وطنی خود را [illegible] انجام دهند و بهمین دلیل لازم است که بزنها نیز حق انتخاب داده شود» و در [illegible] اوان یکی از نمایندگان معروف حزب [illegible] سوسیالیست در مجلس شورای ملی [illegible] حق انتخاب کردن زنها و حق انتخاب شدن زنها را مطرح نمود و بالاخره با ۲۷۴ رای موافق حق انتخاب بزنها داده شد که در انتخابات ۱۹۱۹ زنان انگلیس به آرزوی دیرینه خود نائل گشته با ذوق و نشاطی شروع به انتخاب و کلاء خود نمودند و اول زنیکه نائل بمقام نمایندگی شد «لیدی استور» همسر لورد استور بود . بعد در انتخابات ۱۹۲۳ زنها موفق باشغال هشت کرسی در مجلس شدند که اسامی آنها بدینقرار است :

«میس لاورانس» «میس جونسن» «میس بنوفیلد» از حزب کارگران «لیدی ترانقتون» «میس واندکرام» از حزب آزادیخواهان «دوشس راتولد» «میس فیلیپسون» «لیدی استور» از حزب محافظه کاران بود .

حق انتخاب در زنها از سن «۳۱» ببعد شروع میشد در صورتیکه در مردها از سن ۲۱ ببعد بود ولی این جمعیت دفعات عدیده به این ترتیب اعتراض نموده بعد بواسطه همت و مساعی اعضاء آن این تفاوت نیز از میان برداشته شده و بین زن و مرد در تمام حقوق اجتماعی مساوات تامه برقرار گردید .

زنها در قدردانی و در ازاء این خدمات مجسمهٔ راهنما و پیشوای خود «لیدی پانکهرست» را که در ابتداء دچار هزاران زحمات و مشقات سخت شده بود در شهر لندن برپا نمودند .

کامیابی در [illegible] همیشه فرح و نشاط و فعالیت تولید میکند چنانچه نومیدی و حرمان نیز اغلب کانون همت و جدیت را در اشخاص خاموش میکند در انگلستان هم در اثر این پیشرفت و فیروزی زنها در کسب و استحقاق در تمام حقوق اجتماعی آنها را بجلو در علم و عمل پیشرفت داد که در تمام مراحل اجتماعی با مردان متساوی گشته و وضعیت بانوان برای کسب و دانش و هنر بقدری مساعد شده که در آماری که در سال ۱۹۲۳ از عده دانشجویان دختر در دانشگاههای بریتانیای کبیر برداشته شد شماره آنها را ۸۱۱,۳۴۵ نفر نشان داده .

علاوه برآن زنها مصمم و دائر نمودن مدارس عالیه و مجامع زنانه همت زیادی میکردند .

مثلا بانوئی بنام «میس جکسن بلیمانی» در شهر لندن یکدانشکده طب مخصوص

زنها تاسیس و برپا کرده .

در آن عهد بعضی از بانوان مانند «میس گرتن» «لدی مارگریت» از ریاضی دانان معروف کشور خود گشتند آموزشگاه های دختران خیلی توسعه یافت و برنامه آنها در این دو کلمه خلاصه می شود «دانش و آزمایش» و در این آموزشگاههای عملی دختران را به آزادی و استقلال تمام پرورش میدهند و آنها را پدران قابل و لایق برای اداره خانه و تربیت فرزند و در عین حال کارگران و صنعتگران هنرمند و دانشمندان باتجربه ای بعمل می آورند . و در نتیجه همان تربیت نیک و پرورش صحیح است که اکنون بانوان انگلیسی در تمام رشته های علوم و فنون در دانشگاهها دوشادوش مردان مشغول تحصیل می باشند حتی در مسلکهای دشوار و پر خطری هم با کمال تهور قدم میگذارند مثلا در رشته هوانوردی بانوان انگلیسی جهان پیشقدم بوده و از میان آنها قهرمانان هوانوردی بسیاری بظهور رسیده است .

عده زیادی از روزنامه های آن کشور بدست زنها اداره میشود و در تمام انگلستان قریب ۴۰۰ نفر از مدیران جراید و مجلات زن است . چون عده زنها در انگلیس دو ملیون بیش از مردها است لذا زنها مجبورند برای تامین حیات و معاش زندگی خود در تمام اقسام تجارت و صنایع وارد گشته و کار میکنند و فعالیت آنها منحصر در داخله انگلستان نبوده مخصوصا عده کثیری از آنها بمستعمرات دور رفته و در آنجا ها برای تربیت بومیان و نشر تمدن و دانش و هنر میان آنها جدیت وافری بعمل می آورند .

با اینترتیب زنها در انگلستان مقام رفیعی در جامعه احراز نموده ویژه در امورات خیریه و کمک بفقرا مجامع نیکو کاری زیادی برپا کرده برای سعادت و رفاه بشر و نوع خود از هرگونه جدیت و اقدامی فرو گذار نمی نمایند در عالم علم و اکتشافات نیز زنهای انگلیسی گوی سبقت را ربوده اغلب کاشفین و مخترعین و دانشمندان این کشور موفقیت در اغلب اعمال خود را مدیون تشویق و یاری و فعالیت زنهای خود می باشند .

در ممالک متحده امریکا

زنها از دیر زمانی یعنی از آن وقتی که هنوز امریکا تابع انگلستان بود شروع بمطالبات حقوق خود نمودند در سال ۱۷۴۷ خانمی بنام «میس مرگریت برنت» یکی از ملاکین مری لاند تقاضا نامه خود را بمجلس فرستاد که بزنها نیز حق رای انتخاب داده شود .

و در سال ۱۷۷۶ خانم ابیگایل ادامس توسط شوهر خود که یکی از اعضاء مجمع ملی بود کاغذی بآن مجمع ارسال داشته که زنها نیز در مجلس شورای ملی که محل تصمیم امور است حق انتخاب داشته باشند و در این خصوص ترکیبی از آن مجمع طلبید و در سال ۱۷۷۸ بانوئی بنام «میس کوردن» باز بهمان انجمن عریضه ای در طلب حقوق خود تقدیم داد .

ولی جنبش حقوق طلبی نسوان در امریکا بعد از جنگهای استقلال یعنی از تاریخ ۱۷۸۳ بیشتر شروع شده و در قرن نوزدهم با استقلال و آزادی سیاهان و شروع مبادله برده مشکلات تقویت یافته و در بیشتر

ولایات امریکا موفقیت و کامیابی نصیب بانوان گردید که شرح و تفصیل آنها در مقالات پیشین عرض شده است

خدمات زنها در ارتش و کشور در موقع جنگ و کمک آنها به جمعیات عام المنفعه باعث آن شد که بعد از جنگ بین المللی زنها بیشتر و سهلتر از سابق حقوق خود را در مجلس ملی آتازونی دریافت نمایند

موقعی که «مستر ویلسون» رئیس جمهور معروف آتازونی بعد از مراجعت از کنفرانس صلح اروپا سخت مریض و بستری شده بود در امتداد کسالت او «بانو ادیث بولینگ ویلسون» عیال او کفالت ریاست جمهوری را عهده دار شده لذا در تاریخ ۱۹۱۸ مستر ویلسون رئیس جمهور امریکا [illegible] ومساعدت زیادی نسبت بزنها اظهار نموده و در مجلس عمومی برای استحصال موافقت عده‌ای که جداً مخالف انتخاب نمایندگی زن بودند اقداماتی کرده و یک یک خدمات زنان را در جنگهای بین المللی شرح داد و بالاخره تساوی تام حقوق اجتماعی زنان با مردان در سراسر آن کشور اعلام گردید «میسیس ژانت رانکن» و «میسیس الس رابرتسون» از نمایندگان نامی و ناطق و زبر دست و صاحب نفوذ آن عهد می باشد

علاوه براین زنها تقاضا نمودند که در انتخابات احزاب نیز حساب آنها علاحده باشد یعنی در سال ۱۹۱۹ وقتی که حزب کارگران نمایندگان خود را انتخاب می نمودند زنها تقاضا کردند که کاندیداهای آنها متساوی در مقابل یکدیگر باید یک زن انتخاب نمود

غیر از امور سیاسی بانوان امریکائی در شغلهائی مانند وکالت معاونت نیابت نیز وارد و کسب شهرت نمودند در ولایات کانساس و ویومینگ «میسیس لیجاین اوربس» از خطبای معروف شده و بسمت قضاوت در محکمهٔ جنائی منصوب گردید حتی در بعضی ولایات بانوان ریاست امور انتخابات نیز بعهده گرفته و خواستند تا این اندازه از استعداد و شایستگی زنها در قضایای اجتماعی استفاده نمایند

چون امریکای جنوبی بیشتر تابع مدنیت اسپانیا و پرتکال وامریکای شمالی تابع عادات ومدنیت انگلیسی است لذا در امریکای جنوبی مسئله نهضت بانوان مانند امریکای شمالی پیشرفت نکرده فقط در کشور آرژانتین در سال ۱۹۰۱ مجمعی بنام «جمعیت زنان میهن پرستان» تاسیس گردیده و برای مطالب اجتماعی و حقوق زنها مشغول کار شدند و در کشور برازیل هم بانوان موفق بدریافت بیشتر مطالبات خود شده در سال ۱۹۳۱ بشرکت زنها در انتخابات اجازه دادند و حکومت اراگوای نیز به آنها مشابهت نمود .

اما در جمهوری شیلی علاوه بدریافت تمام حقوق در سال ۱۹۲۷ قانونی وضع شد که در موقع جنگ دختران و بانوان جوان که متجاوز از ۲۱ سال دارند در خدمت نظام نیز شرکت کنند که دیگر این مطلب منتها درجهٔ شرکت زن در مسائل اجتماعی و ملی می باشد

در ممالک متحده امریکا عده زن ها تقریبا ۲ ملیون کمتر از مردان است شاید یکی از علل عمده موفقیت آنها در دریافت حقوق اجتماعی زودتر از دیگران همین مطلب باشد بعلاوه چون کشور آتازونی یک ملت جدید التشکیل بوده و برای پیشرفت

سریع ورفع احتیاجات بیش از سایرین محتاج تشریک مساعی با زنها شده واز اول ورود زنها هم تماما با مردان باهم کار می کردند لذا یکی از علل اصلی سر پیشرفت سریع آنها نیز همین مسئله است

با آنکه عده زنها درامریکا نسبت به مردان کم است معذالک در دانشگاههای امریکا عده دانشجویان دختر کاملا با پسران برابری میکند ودر بعضی مراحل بیش از آنها است

اساس آموزشگاه ها و دانشکده ها در امریکا کاملا عملی وحتی در آموزشگاههای هنرستانهائی که مخصوص تعلیم خانه داری ست این مطالب باندازه ای مراعات میشود کهدر بعضی هنرستانها مثلا در هنرستان بوستون هنرستان خانه داری که بنا شده تماما عبارت از خانهای کوچک کوچکی می باشد کهجامع تمام قسمتها و لوازم خانه بوده ودخترها دونفر دونفر در آن خانه ها سکنی گزیده وتمام امورات خانه را باصول علمی وفنی بادست خود انجام می دهند وآنچه راکه یاد می گیرند عملا در آن خانههای کوچک تمرین مینمایند

یکی از امتیازات آموزشگاه های امریکا این است که کاملا مناسب برای آزمایشهای علمی ساخته شده اند امریکائیها تعلیم علوم جدیده نظری را زائد دانسته وتمام وقت خود را مصروف بکار و آزمایش می کنند مخصوصا علوم و اقتصادیات واجتماعیات در آنجا کاملا مطابق اصول عملی تعلیم میشود

یکی از خصایص حکومتهای امریکا این است کهدر اغلب اموراتی که مختص بحال زنان است بدست خود زنها سپرده شده و از طرف آنان اداره میشود مثلا در اداره بهداشت قسمتی که مخصوص حفظ الصحه کودکان و نوزادان و مادران است ریاستش زن میباشد و ریاست اغلب ادارات معارف بدست زنها است وعده زیادی رؤسای آموزشگاهها اعم از پسرانه و دخترانه زن است در اداره شهربانی قسمتی که مخصوص مواظبت بصحت و سلامتی حال دوشیزگان است ریاستش به بانوئی محول شده است و در محاکم قضائی و جنائی قاضیهای زن موجود است که اغلب بدعاوی زنان رسیدگی مینمایند .

زنان امریکائی نهتنها در دانش وعمل بحد کافی [illegible] از لیاقت نموده شهرت ومعروفیت او تنها از این بابت است بلکه از حیث ثروت و دارائی هم زنان امریکائی خیلی پیشرفت کرده و معروف هستند بطوری که عده بانوان ملیونر در امریکا خیلی زیاد بوده واغلب آنها در نتیجه جدیت درعمل و [illegible] صاحب این ثروتهای هنگفت گردیده اند از آنجمله « مسیس هیتی » که صاحب دوازده ملیون لیره ثروت بوده و [illegible] او شخصا این مبلغ را در مدت [illegible] سال [illegible] وجمع کرده بود.

ودیگر « مسیس ایلارو » است که در راه [illegible] و در اندک مدتی [illegible] ملیون لیره کسب کرد و « مسیس [illegible] » که بیوه زن فقیری بیش نبود در مدت خیلی کوتاه صاحب ملیونها ثروت گشت .

آنچه که بسیار قابل تحسین و تمجید است اغلب بانوان ثروتمند امریکائی هر سال ملیونها دلار در امور خیریه بذل و بخشش مینمایند مثلا « مسیس [illegible] » ۳۰ ملیون دلار برای بنای یکدانشگاه و « مسیس [illegible] » ۲۵ ملیون دلار بمخارج

ادبی « مجامع حمایت فقرا » میسیس توماس
ریان » ۵ ملیون دلار برای مبارزه با مرض
سل و میسیس اندرسون ۱٬۷۵۰٬۰۰۰ لیره
برای اکتشافات علمی و « میسیس هلن
گولد » « ۱۰ » ملیون بخانواده های فقیر
ملوانان بخشیده است و هزاران هزار از
بانوان دیگر نسبت بوسع تمول و مکنت
خود دائم در امورات خیریه و عام‌المنفعه
بذل و احسان مینمایند مثلا « خانم روزولت »
زن رئیس جمهور فعلی امریکا را همه می
شناسیم و مکرر شرح اوصاف حمیده این
بانو را در روزنامه‌ها خوانده‌ایم که معظم‌لها
صاحب بیان شیوا و سخنران زبردستی است
که هر ماهی دو سه مرتبه در رادیو از مطالب
مفیدی صحبت میکند و سالیانه
۱۰۰۰۰۰ دلار از این بابت عایدی دارد که
تمام آن مبلغ را بموسسات خیریه و عام
المنفعه میبخشد.

خلاصه دانش و بینش دو چیزی است
که زنان امریکائی را در هیئت جامعه بمقام
ارجمندی رسانده است زنهای امریکائی در
تاسیس روزنامه‌ها و مجلات برای تنویر
افکار عامه و در تاسیس نمودن مجامع ادبی
و اجتماعی و انجمنهای خیریه برای کمک
بنوع بشر نهایت جدیت و کوشش مینمایند
که از آن جمله « مجمع اتحاد زنان بر علیه
مسکرات » « مجمع زنان میهن پرست »
« مجمع اتحادیه خیریه زنان » و « مجمع
حفظ حقوق زنان » است که منافع و حمایت
کودکان و نوزادان؛ رسیدگی بحال زنان
کارگر، کمک به بهداشت عمومی و تربیت
اجتماعی و مبادله با عادات و اخلاق مضر و
ناپسندیده میباشد و اعضا هر یک از این جمعیت
ها را تشکیل میدهند که تنها بیش از صد و
هشت هزار نفر زن در جمعیتهائی که مرام
آنها فقط خدمت به پیشرفت و تعالی نسوان
است عضویت دارند.

همچنین در امریکا مانند سائر کشورها
محققا لازم نیست که زنها عهده دار کارهای
متعلق بخانه شده و مردها منحصرا در
خارج از خانه کار کنند بلکه زن و مرد هم
در داخل و هم در خارج خانه همکار و هم
عقیده و بسا میشود که هم مسلک و هم پیشه
نیز می باشند و جای انکار نیست که اعمال
مشترک در وظائف و صنایع و برقرار
بودن تساوی در میزان دانش و عرفان و
تفاهم در افکار و عقاید در بهبودی رابطه
زوجین و حیات فامیلی بسیار موثر است
چنانچه تربیت مشترک در مدارس عالیه نیز
همان نحو نتایج نیکو دارد زیرا تربیت
عمومی یک نواخت و یک میزان پسر و دختر
جوان بواسطه تقویت نیروهای عقلانی و
جسمانی آنها کمک کرده و روح و پیکر
آنها را قوی و اراده آنها را متین و محکم
بار می آورده

و در نتیجه در همه رشته‌ها زنها نیز می
توانند مانند مردان داخل گشته در اوج
آسمان و در قعر دریا و روی زمین دوشادوش
مردان حرکت کرده و از نتیجه سعی و عمل
و قدرت و قوت آنها اقتصادیات نیز رو به
بهبودی گذاشته تمول و مکنت و رفاه
سعادت حاصل میگردد.

چنانچه امریکا زودتر از سائر کشورها
منافع و ثمرات این طرز تربیت را چیده
و چشیده هم اکنون شاید در روی زمین
تنها کشوری است که کوچک ترین تفاوتی
بین زنان و مردان آنها در امورات اجتماعی
قائل نشده و بمراتب ثروت و سعادت نیز

در آن سامان بیش از سایر قطعات روی زمین است .

بانوان امریکائی در نتیجه علاقه مفرطی بورزش و بازی های ورزش پیکرهای خود را قوی و نیرومند پرورش داده ویژه در هوا پیمائی اتوموبیل رانی زورق رانی و غیره کسب مهارت وشهرت نموده و در تمام مسابقه های قهرمانی شرکت و دائم گوی سبقت را می ربایند در اقسام ورزش های بدنی مانند دو ، پرش . شنا . نیزه پرانی و دیسک پرانی و شمشیر بازی و غیره پیشرفت های شایانی کرده اند که در مسابقه های المپیک ۱۹۳۶ واقعه در برلن اغلب مدالهای طلا و درجه اول را از سایر هم جنسان خود ربودند هیکلهای قوی بلند و تنو مند و عضلات محکم و برجسته آنها بقدری جالب انظار بود که انسان حتی با دوربین هم در تعیین جنسیت آنها دچار تردید میشد و اگر تموج موهای طلائی آنها را نمی دید حتما باور نمی کرد که اینها همان جنس لطیف می باشند .

در آلمان — در اوائل قرن بیستم یگانه هدف مقصود آلمان بدست آوردن مستعمرات زیاد برای تامین اوضاع اقتصادی خود بوده و برای وصول باین مطلوب هم احتیاج زیادی به بازوان کار کن و کار گران داشت لذا بتربیت زنان اهمیت زیاد میداد و بعضی احزاب مسئله پیشرفت زنان را اس اساس برنامه خود قرار داده بودند و از هر حیث وسائل تعلیم و تربیت آنها را فراهم می آوردند زنها نیز بسه تحصیل دانش و هنر اشتیاق وافری نشان داده روز بروز درجه و مراتب علم و فضل آنها افزایش می یافت چنانچه در سال ۱۹۱۴ آماری که از استادان زن و مرد برداشته شده نشان داد که عده استادان زن در آن کشور بصدی پنجاه و چهار نفر رسیده است .

با تمام این فعالیت و فضل و دانش می بایستی که زنان آلمان زودتر از سایر کشور ها بحقوق اجتماعی خود نائل گردند ولی افکار عمومی ویژه امپراطور ویلهلم مخالف شرکت بانوان در امور اجتماعی و سیاسی بود ، در مقابل زنها نیز برای رسیدن به مقصود خیلی جدیت کرده و در سال ۱۹۰۳ « جمعیت عمومی زنان » را در برلن منعقد ساختند این جمعیت فوق العاده کار و کوشش کرده و موفق شد که از قانون ماده ای که راجع بعدم مداخله زنها در امور اجتماعی بود بر داشته شود و زنها حق دخالت در وظائف عمومی و انجمن های شهرداری و محاکم تجارتی و حرفه ای را داشته باشند .

در سال ۱۹۱۱ جمعیت زنها جلسات متعددی تشکیل داده و مطالبات خود را نگاشته و بمجلس تقدیم نمودند ولی چنانچه گفته شد امپراطور ویلهلم و مستشار او « بیتمن هولوگ » مخالف این پیشنهاد بود و در سال ۱۹۱۳ هم باوجه قانونی وضع شد که بانوان نباید در امور اجتماعی دخالت داشته باشند ولی بعد از کناره گیری امپراطور و حزب او از کار یک مرتبه فتح و فیروزی نصیب زنها شده و بحق انتخاب نائل گردیدند و در سال ۱۹۲۳ زنها « ۳۶ » نفر نماینده در مجلس ملی داشتند در صورتیکه در آن تاریخ در مجلس شورای ملی انگلستان فقط یک نفر زن

نماینده بوده مخصوصا مابین این نمایندگان « باروفس فن اهیمب » و « کلدرتکن » بسیار معروف و صاحب نفوذ هستند علاوه بر آن در آنوقت پست های مهم دولتی نیز بدست زنها رسید چنانچه در حکومت براندوایك زنی را بریاست معارف انتخاب نمودند .

ولی پیشرفت حقیقی زنان در آلمان با فیروزی حزب ناسیونال سوسیالیست در سال ۱۹۳۳ شروع میشود زیرا در افکار و عقاید زنها در آن تاریخ بیداری و تکامل جدیدی حاصل گردیده و متوجه این مطلب شدند که برای پیشرفت و موفقیت آلمان در مبارزه عظیم برای جبران شکست های گذشته باید تمام قوای خود را با قوای دولت یکی نموده و برای پیشرفت مرام و مقاصد عالی خود از هیچ گونه کوشش و همت فروگذاری نکنند ، لذا یك جمعیت بزرگی در آلمان بنام « جمعیت زنان آلمان » تشکیل دادند که ریاست این جمعیت به بانوی فاضله [illegible] معروف آلمان خانم گرترود شولتس کلینك محول گردید

ترتیبات و تشکیلات اداری این جمعیت فوق العاده مرتب و منظم بوده میتوان گفت در روی زمین یکی از بهترین مجامع نسوان است که برای پیشرفت و تعالی زنها آنچه که ضروری و لازم است پیش بینی نموده و فراهم کرده است

مرکز جمعیت در برلن بوده و به ۹ بخش بزرگ منقسم گردیده است و در ۳۲ استان شعبه دارند که هر شعبه آنها بساز مرتبا به ۹ بخش قسمت شده رؤسای شعب مربوط برئیس و رئیس هم مستقیما مربوط بمرکز است .

از این ۹ بخش چهار بخش اول آن امورات داخلی را از حیث مالی و تشکیلات اداری نیز در مرکز و در ایالات و شهرستانها اداره مینمایند و شعبه ۵ مخصوص تعلیم و تربیت و تنویر افکار نسوان با صطلاح شعبهٔ ادبی است که دارای کتابخانه بزرگی بوده و هر چه کتب ادبی و اجتماعی در آلمان منتشر میشود تهیه نموده در دسترس خانمها میگذارد و جلسات مخصوصی برای انتقاد از کتب و نشریات دارند که مرتبا بعد از مطالعهٔ آنها نظریات و انتقادات خود را نسبت به آنها اظهار مینمایند و این بخش چهار روزنامهٔ یومیه و هفتگی چاپ و منتشر می نماید و در استانها و شهرستانها هم همان بخش ادبی مربوط به بخش پنجم ادبی مرکزی است .

بخش ششم مخصوص بحمایت مادران و کودکان است که این شعبه سه هزار نفر از بانوان دانشمند و با تجربه و زبردست زیر دست خود دارد که آنها را دائم به اطراف و دهات میفرستند و این استادان سیار در هر ده و قصبه‌ای یکی دو هفته مانده به مادرها پرستاری و بهداشت نوزادان و کودکان را تعلیم میدهند و در هر شهری ۵ کلاس بزرگ فقط برای تعلیم و تربیت مادران دائر نموده است که در آنجا تمام قوانین و قواعد بچه‌داری و مادری تعلیم میشود . و بدون قید و شرط هر زن جوان و دختران جوانی که از سن ۱۸ ببالا داشته یا نامزد دارند و یا در شرف ازدواج میباشند حتی زنان پیر و مادر بزرگها که مشغول تربیت و پرستاری نوادگان خود هستند میتوانند وارد این کلاسها شده و از تعلیم استادان

بهره مند گردند که در مدت سال ۱۹۳۵
این جمعیت در تمام کشور آلمان موفق
بدائر نمودن ۷۶۵۳ شماره کلاس شده و
درسال مذکور در این کلاسها ۲۱۰ هزار
نفر را تعلیم دادند .

مادر های فقیر و بی بضاعت و کارگر را
این شعبه حمایت نموده برای رفاه وسعادت
آنها کوشش میکند وعدهٔ زیادی از دختر
های جوان داوطلب زیردست خود دارد
که اغلب بمادران فقیر کارگر در مواقع
احتیاج تعطیل واستراحت داده و دخترها
را بجای آنها میگمارد بفقراء آنها نیز
غذا لباس ومسکن تهیه میکنند در سال
۱۹۳۵ این شعبه یک روز جشن مادر در سرتا
سر کشور آلمان برپا کرده وموفق بجمع
سه ملیون ونیم مارك اعانه برای مادران
فقیر و بی بضاعت گردید

بخش هفتم راجع بقسمت اقتصاد
بیتی و خانه داری است که برای حصول
مقصود در هر بخش شعبستانها کلاسهائی
دائر نموده اند ودر آن کلاسها اصول
اداره خانه را موافق قوانین صرفه جوئی
یادمیدهند ودوشیزگان وکدبانویان را صرفه
جو و باتدبیر تربیت می کنند همچنین دختر
های جوانی که در مغازه ها و تجارتخانه ها
مشغول کار هستند هفته ای یکی دو روز
مرتبا در این کلاسها حاضر شده نکات و
رموز مربوطه به پیشه خود را در آنجا
فرا میگیرند که باینترتیب باورقه گواهی
نامه در همه جا میتوانند برای خود شغلی
پیدا کنند والا بدون تصدیق اهلیت وهنر
آنها را بهیچ جابرای خدمت نمی پذیرند
مثلا در مغازه پیراهن دوزی یک دختری را
تااینکه از فن خود گواهی نامه نداشته
وتناسب وهم آهنگی الوان پیراهنها و یقه ها
را باصطلاح نیاموخته باشند به خدمت قبول
نمی کنند .

خلاصه کلاسهای مذکور علاوه بر
آنکه زنان آلمان را بسیار مقتصد و صرفه
جو بار می آورد بسلیقه و ظرافت شهر و
مرتب نمودن کالاها در تجارتخانه ها و
همچنین داسلیقه و تناسب لباس پوشیدن
مردم کمک میکنند

بخش ۸ مخصوص حمایت زنانیست که
شوهران آنها در جنگ کشته شده اند
ویا کشته خواهند شد

بخش نهم بخش تبلیغات است که مرامهای
جمعیت را در داخله کشور و در خارج از
آن نشر نموده ودر ورود بیگانگان به آن
کشور داوطلبان را برای گردش در مؤسسات
این جمعیت راهنمائی میکنند

بعضی از مجامع دیگر زنان مانند
« جمعیت کار اجباری زنان » « جمعیت
صلیب احمر و پرستاران زنان » هم کاملا
مربوط باین مجمع بوده وریاستش باخانم
شولتس کلینك است

جمعیت زنان آلمان ۸ ملیون عضو
دارد و هر یکی از اعضا نسبت به وضع
تمول و مکنت سرمایه مبلغی میپردازند باین
جهت است که این جمعیت میتواند بواسطه
همت وبذل وبخشش اعضا مرامهای خود
را از پیش برده و بناهای عالی در هر قسمت
کشور برپا نماید چنانچه اخیرا در خود
برلن یک عمارت بسیار عالی که شامل ۱۵۰
اطاق وده سالون تاتر و کنفرانس وغیره
بود بسیار زیبا و موافق اصول معماری
جدید برپا نموده اند و زنان آلمان بسیار
افتخار مینمایند که از جیب خود توانسته

اند چنین عمارت عالی را بر پا نمایند و در سایر شهرستانها نیز مشغول ساختن عمارات نظیر آن هستند

در آلمان یک جمعیت دیگری نیز بنام « اتحادیه دختران آلمان » موجود است که رئیسش خانم « تروده ور » می‌باشد و آن دو شعبه دارد یکی مخصوص دختران کوچک از ۸ تا ۱۴ ساله و یکی هم برای دختران جوان از ۱۴ تا ۲۱ ساله است عده دختران کوچک این جمعیت یک ملیون و هشتصد هزار نفر و عده دختران بزرگ ۱ ملیون و نیم است و عمده مقصود از تاسیس چنین جمعیت تربیت جسمانی و اخلاقی دختران است که میخواهند مادران آتیه کشور را صاحب حسن اخلاق و متین و سالم و صرفه جو و دارای محبت عقیده و ایمان نسبت به کشور و میهن بار آورند .

بانوان آلمان در اداره خانه و تربیت فرزند مهارت و زبردستی کامل دارند در سایه عادت صرفه جوئی واعتنا و اهتمام آنها به امور خانه داری امروز کشور آلمان توانسته است در مقابل فشارهای اقتصادی استقامت نماید و شعار آنها دائم صرفه جوئی و نظافت و پاکیزگی است .

در فرانسه — زنها در قرن نوزدهم برای استخلاص از بوتی و رسیدن بحقوق خود جمعیت های متعددی دائر نموده بودند ولی در اوائل قرن بیستم با انعقاد سومین کنگره بین المللی زنان در پاریس مسلک طرفداری زنان نیز تقویت یافته و بعضی از زنان نامی فرانسه مانند خانم مارگریت دوراند » خانم مرزان شوین » « خانم شماله و خانم « ماریا شلیزکا » دست اتحاد و اتفاق بهم داده جمعیتهائی بنام مجمع « اعمال اجتماعی زنان » و « مجمع زنان میهن پرست » را دائر نمودند که متجاوز از بیست و هشت هزار نفر زن در این مجامع عضویت داشتند و روزنامه یومیهٔ « لافروند » را تاسیس نمودند که تمام کارهای متعلق به آن روزنامه همه بدست زنها اداره شده و روزی صد هزار نسخه چاپ و منتشر میگردید و بواسطهٔ انتشار این روزنامهٔ مهم در اقطار و اکناف کشور یک انتباه و تکاملی در افکار عمومی زنها تولید گشته و تا آنوقت زنهائی که بمعنی و مفهوم حقیقی نهضت بانوان پی نبرده و آنرا یک شعر بدیع و یک صحیفهٔ ادبی و یک آواز سامعه نواز تصور می کردند بواسطه شرح و بیان و حلاجی کامل راجع به اصل و اساس و مقاصد نهضت نسوان در این روزنامه بحقوق اصلی و حقیقی خود پی برده و معنای آنرا فهمیدند .

در اوائل این قرن در فرانسه بعضی از مردانهم برای پیشرفت بانوان کمک کردند که از آنجمله « لئون بورژوا » معلم معروف و متخصص در فن تعلیم و تربیت میباشد .

این شخص یکی از اعضاء مهم انجمن تعلیم و تربیت بوده و مکرر در خطابه های خود بلزوم توجه بتربیت بانوان در آن کشور و کمی شماره آموزشگاه های دوشیزگان اشاره نموده و چنین گفته است « ما معتقدیم که تربیت زن یکی از ضروریات تشکیلات جدید تمدن کنونی است بدین جهت مواد اولیه برنامه عمل این انجمن باید عنایت و همت به تعلیم و تربیت فکری و اخلاقی و وضعیت اجتماعی زنها باشد . »

اکنون ببینیم در آن عهد در فرانسه خیلی صاحب نفوذ و کلام بوده و اکثر مردم از او حرف شنوی داشتند لذا مقاله هائی که در اخیر به پیشرفت و تعلیم و تربیت نسوان ایراد می نمود بسیار مؤثر واقع گشته و افکار عموم را به لزوم توجه به بانوان معطوف می ساخت بطوری که عده کثیری از اهل دانش میان برای تربیت و کامیابی زنها در دریافت حقوق اجتماعی مقابل مرد و در ابطال عوض مقالاتی نوشته و خطابه هائی ایراد میکردند

از یک طرف پیشرفت زنان انگلیس هم در تحریک و تشویق زنان فرانسوی کمک کرده و تقاضاهای زیادی از طرف بانوان در اوائل این قرن راجع به اصلاح وضع و حال زنان منتشر شد که بعضی ها با اسلوب ادبی و بشکل تقاضای مسکیانه بود و بعضی ها یک نوع ادبی نیز در جهان زنان پدیدار است و دو جمعیت ادبی یکی بنام « جمعیت زنان پروتستان » در سال ۱۹۰۰ و دیگری بنام « جمعیت آزادی زنان » در سال ۱۹۰۳ تأسیس یافت که مرام و مقصود این جمعیتها تربیت فکری و تعلیم زنان خارج از مدرسه بوده است .

از بانوان معروف « بارون دو پیران » قصر خود را برای جمعیت ادبی زنان باز نموده و زنانی که ادیب بودند در آنجا جلساتی تشکیل میدادند و بحث نقد آثار و اشعار و آثار ادبی آنها برای استفاده عموم بشکل کتب و رساله چاپ شده و ما بین تمام زنها توزیع میگردید و بسیاری از بانوان نیز باین جلسات ... دو پیران در ... نموده و ... ادبی ... در

دانند که اتفاقاً مرام این جمعیتها تنها تنویر افکار زنان و ترویج دانش و ادب میان خانمها نبوده بلکه به پیشرفت نهضتهای آن کشور کمکهای زیادی کرده است

در این قرن در فرانسه بانوان دانشمند و ادیبه زیاد بظهور رسیده است که از آن جمله مادام کوری مخترع رادیوم که موفق بدریافت جایزهٔ نوبل نیز گردیده است در ساحهٔ علم و اختراع باعث افتخار زنان گیتی است و در عالم شعر و ادب « کنتس دونوای » و « خانم کامیل ماریو » از نوابغ زنها در قرن بیستم در فرانسه است .

علاوه براین خیلی از بانوان در صنایع مستظرفه و فن ترسیم و نقاشی بسیار کسب موفقیت نمودند که « مادموازل موفلمن » یکی از آنها است که موفق باخذ چهارده جایزه گشته و در فن خود گوی سبقت را از مردان ربوده

خلاصه با این طریقه فضل و دانش میان خانمها انتشار یافته و شماره آموزشگاههای دختران که در اواخر قرن نوزدهم در تمام کشور فرانسه فقط ۹۶۶ بوده در تاریخ ۱۹۰۷ یکمرتبه به ۱۶۶۵۹ آموزشگاه بالغ گشته و متجاوز از چهار صد هزار دختر در این آموزشگاهها مشغول تحصیل بودند و سالهای بعد هم عدهٔ آنها چندین برابر افزوده گشت .

زنهای فرانسه در قرن بیستم تنها با ورود بمیدان دانش و ادب اکتفا نکرده در تمام حرف و صنایع و امورات تجارتی نیز شرکت نمودند .

میان افراد و احزاب آن کشور بر قرار است و زنان فرانسه فقط در قسمت مد و آرایش و ظاهر سازی سرمشق سائر زنهای جهان بوده و بیشتر افکار آنها متوجه به پیشرفت و تکمیل همین رشته می باشد شاید بهمان علت است که خفیف مشرب بودن زنهای فرانسه در همه جای دنیا معروف و هنوز هم عدم وفقیت آنها در دریافت حقوق اجتماعی از این بابت است

در ایتالیا — نهضت بانوان از اواسط قرن گذشته شروع نموده زیرا زنان ایطالیائی موقعیت و مقام پست و حقیر خود و ادر مراحل اجتماعی دقیقا ملاحظه کرده برای اعلای شان و منزلت خویش و تغییر افکار عمومی براه خرد که تا آنوقت بشخصیت و زحمات آنها قدر و ارزشی قائل نمی شدند بسیار همت و جدیت نمودند و بسیاری از بانوان فعال و دانشمند ایطالیائی در اینخصوص ها مکرر مقالات و موضوعاتی در روزنامه‌ها نگاشته و کتب و رسالاتی منتشر ساختند و در سال های ۱۸۶۷ و ۱۸۷۶ و ۱۸۸۳ و ۱۸۸۸ برای بدست آوردن مساوات با مردان در امورات اجتماعی تقاضانامه‌ای بمجلس تقدیم نمودند اگرچه نتوانستند بتمام مستدعیات خود نائل گردند ولی باز برای نهضت و پیشرفت بانوان راهی باز نموده و حق شرکت در بعضی مجامع و انجمنهای ملی را بدست آوردند و در اوائل قرن بیستم بنهضت خود دنباله داده و مجامعی در شهر رم بعنوان مجمع زنان میهن پرست » و در شهر میلان « مجمع اتحادیه زنان » و بعضی مجامع تعاونی برای بهبودی و پیشرفت هنر های دستی بانوان تاسیس نمودند و اکثر مؤسسین این انجمنها از بانوان دانشمند و فاضله و تحصیل کرده در مدارس عالیه بودند.

در سال ۱۹۰۶ اعضاء این مجامع که عبارت از هزاران هزار نفر زن بود باز برای دریافت حقوق خود پیشنهاداتی به مجلس تقدیم کردند .

و بعد در سال ۱۹۰۸ در شهر رم و در سال ۱۹۱۱ در شهر تورین کنگره های زنان ایطالیائی را منعقد ساخته و تقاضای خود را تکرار نمودند .

زنهای ایطالیائی موفقیت زنان امریکا و انگلیس را در دریافت تمام حقوق خود دیده و بیشتر بشوق افتادند که در این مراحل آنهـا نیز بتوانند کسب موفقیت نمایند .

لذا در سال ۱۹۱۴ لایحه ای تنظیم نمودند که مهمترین نکات آن عبارت از حق استقلال زن ایطالیائی در کار و عمل حق اشتغال در ادارات و مراکز دولتی و عمومی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بنمایندگی و حق طلاق بود .

ولی در همان اوان اشتعال نائره جنگ بین المللی مانع تعقیب زنها بمستدعیات خود شد اما در آنموقع اساسا از روی ضرورت و اجبار زنها وارد کارهای اداری و صنعتی و تجارتی شده و در اغلب جاها چرخهای امور را بدست گرفتند و کفایت و درایت خودرا در انجام هر عمل و کاری نشان دادند .

زن ایطالیائی در رژیم فاشیست کنونی مقام ارجمندی را حائز است و تشکیلات مهمی از زنها و دختر های جوان نظیر تشکیلات زنان آلمان که بتفصیل ذکر شد دارند و دختران فاشیستی را فوق العاده

جدی سالم صاحب اخلاق و متین بار می آورند .

زنان ایطالیائی هم امروز مانند زنان آلمانی این نکته را درست فهمیدند که در هر امری بمجری شدن قوانین و آراء و عقاید دولت باید کمک کنند و بترقیات کشور خود از راه اقتصادیات و صرفه جوئی یاری نمایند لذا زنان کنونی ایطالیائی باداره خانه و تربیت و پرورش فرزند بسیار علاقه مندمی باشند .

درسویس — نهضت زن از سال ۱۸۷۵ میلادی شروع میشود که در آن تاریخ یکی ازرجال دانشمند آن کشور سکریتان نامی جمعیتی مختلط از زن و مرد دائر و در آن مجمع با دلایل متینی ثابت و اعلام نمود که آزادی و پیشرفت مرد بدون آزادی و پیشرفت زن امکان پذیر نیست و در سال ۱۸۸۰ باز یك جمعیت دیگری بعنوان « مجمع زنان میهن پرست »تاسیس یافت که این جمعیت یگانه وسیله رسیدن بمقصود را در تربیت اساسی دوشیزگان جوان دانسته و بتربیت صحیح و عملی دختر ها اهمیت زیاد میداد

با شروع قرن بیستم زن سویسی پیشرفت های سریعی نموده وعده زیادی از بانوان در کارهای اقتصادی و خدمات عام المنفعه وارد شدند .

زنهای سویسی بسادگی وحسن اخلاق بسیار معروفند وبعلم تدبیر منزل و شؤونات خانه و پرورش کودك بسیار ذوق و شوقی دارند .

لذا در تمام شهرهای سویس هنرستان های خانه داری برای تعلیم اداره خانه وهنرهای دستی دفتر داری و ماشین نویسی و غیرة بحد وفور یافت می شود و تمام بانوان سویسی بمداومت باین هنرستانها رغبت زیادی نشان میدهند .

در شهر لوزان یك کتابخانه بزرگی از طرف جمعیت بانوان دائر و آثار و تالیف زنهای دنیا و کتب مفیده بحال زنان در آنجا گرد آورده شده است و جمعیت زنان یك دائره مخصوصی برای رجوع زنان هنرمند و کارگر تاسیس نموده که مقصود از آن ترویج هنر های بانوان وپیدا کردن کار و فروش هنرهای آنها است .

غایت مطلوب مجامع زنان سویس بهبودی وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنها و ترغیب مردم بزندگی خانوادگی ومرتب نمودن امور داخلی وتولید رفاه وآسایش می باشد .

درسویس زنها کمتر از سایر کشور ها در خارج از خانه مشغول بکار هستند .

در سال ۱۹۱۸ جمعیت زنان سویس برای دریافت حقوق اجتماعی و حق انتخاب لایحه ای بمجلس تقدیم نمودند که این مطالب مدت سالیان دراز در مجلس ملی و مجلس اعیان مطرح و موجب مناقشات زیادی گردیده واین مسئله تا سال ۱۹۲۷ مرتبا تکرار شده و بالاخره در تاریخ مذکور زنان سویسی بگرفتن تمام حقوق اجتماعی و شرکت در انتخابات موفق گردیدند .

دربلژیك — مدتهمدیدی قضیه زنان مطرح و بالخصوص موجب مناقشه مابین احزاب بوده .

در تمام کشور های دیگر غالبا فرقه

آزادی خواهان کمک و یار زنها در پیشرفت نهضت بودند .

ولی در بلژیک بعکس فرقه محافظه کاران خدمات زیادی بعالم نسوان نمودند در ضمن مناقشات آنها خود زنها نیز بفکر اصلاح حال خود افتاده مجامعی تاسیس و بانوان نامی مانند خانم «ماری پوپلن» در میان آنها بظهور رسید که این خانم دکتر در حقوق و صاحب نطق و بیان بوده و در مجالس اجتماعی خطابه های شیوائی راجع بتربیت و ترقیات نسوان ایراد میکرد .

زنان بلژیک در سال ۱۹۱۱ حق انتخاب در انجمن های شهرداری شرکت در بعضی امورات اجتماعی را نائل شدند

جنگ بین المللی هم بتنویر افکار توده خدمت نموده و عقاید و آراء را بر له زنها مستعد و موفق ساخت و در تاریخ ۱۹۱۹ در مجلس شورای ملی تصویب شدکه مادران و زنان بیوه درنتیجه جنگ هم در دوره دیگر حق انتخاب داشته باشند و بالاخره در ماه آوریل ۱۹۲۱ اولین دفعه بانوان بلژیک در انتخابات شرکت نمودند ملکه الیزابت شخصا بمحل انتخابات رفته و رای خود را بصندوق انداخت .

زنان بلژیک بعد از جنگ فوق العاده پیشرفت نموده بدرجات و مناصب مهمی مانند وکالت، قضاوت و حکومت درشهرها و غیره نائل گردیدند .

در ممالک کوچک شمالی و اسکاندیناوی

مانند سوئد نوروژ هلاند و فنلاند زن از ایام قبل از آنکه هنوز در بعضی امپراطوریها و جمهوری‌های بزرگ زنها بان مقام نرسیده بودند از بیشتر حقوق مدنی واجتماعی بهرهٔ وافری داشتند

در هولاند - زنها درامورات اجتماعی و خیریه یک نهضت مخصوصی نموده و بیش از زنان سایر کشور ها بدین مسئله اظهار علاقه میکردند و مخصوصا بتربیت صحیح دختران توجه زیاد داشتند .

« خانم ایلیا و بنجره» یکی از بانوان متمول و دانشمند کشور هلاند بـرای ورود زنها در مسائل وامورات اجتماعی قبل از همه چیز تربیت کامل عقلانی و جسمانی آنها را صحیح و جائز دانسته و بهمین اساس هنرستانهای مخصوصی در شهر آمستردام برای تربیت دختران بنا و تاسیس نمود که در این هنرستان ها علاوه بر اقسام هنرهای یدی بعضی از دروس اقتصادی, سیاسی و صحی واجتماعی راجع بمضرات مسکرات و قوانین راجع بمزد زنان کارگر و وضع زندگی وخانه و مساکن آنها و راجع بحقوق زن در ازدواج وطلاق وغیره تماما تدریس میشد و هفته ای یکبار هنر آموزان را در کارخانجات وموسسات خیریه گردش داده و درآنجاها درحال کارگران عملا مطالعه میکردند .

در نتیجه همان تعلیم عملی بـود که زن هولاندی توانست قدم های وسیع و برجسته ای در جامعه بر داشته بوظائف اصلی و حقوقی حقیقی خود پی ببرد .

در هولاند مجامع بزرگی مرکب از زنان دانشمند وفعال تشکیل یافته وبرنامهٔ اعمال آنها شامل این مواد است .

مسئله مزد زنان کارگر، لزوم اصلاح

برنامهٔ آموزشگاههای دختران و کوشش و توسعه و ازدیاد آنها ، تربیت بدنی اجباری دختران مانند خدمت نظام وظیفه پسران آشنا نمودن بانوان و مادران بوظائف سنگین وتکالیف اجتماعی خود .

در تحت تاثیر چنین تربیت اساسی زن هولاندی توانست بیشتر حقوق مدنی واجتماعی نائل گردد .

بانوان هلاند در اواخر قرن نوزدهم شروع بدرخواست حقوق ملی و میهنی و هرکت درانتخابات و مسائل اجتماعی را نموده ویژه در سال ۱۸۹۰ بعد از نشستن «ملکه ویلهلمینا» بتخت شاهی در مطالبه حقوق سیاسی خود بیشتر جدیت و فعالیت نشان دادند و در سال ۱۹۰۵ تجدید نظری بقانون گردیده و قرارشد که بعرایض و پیشنهادات آنان رسیدگی شود و این مستدعیات و تقاضای زنها تا سال ۱۹۱۷ دوام داشته و در آنسال اجازه داده شد که زنها در مجلس شورای ملی نماینده داشته باشند و در سال ۱۹۱۸ در موقع تجدید انتخابات یکی از بانوان دانشمند هولاند «خانم سوزی گرونویلک» در مجلس شورای ملی بکرسی نمایندگی نشست و بعداز رسیدن بمقصود و مطلوب خود زن هلاندی در ساحهٔ فضل و دانش وهنر کمال خیلی پیشرفت کرد .

درنورونژ ـ درقطعهٔ اروپا نخستین کشوری که زنان آن قبل ازسایرین حق انتخاب و بهره ای از حقوق اجتماعی خود داشته کشور نوروژ میباشد .

زیرا در سال ۱۸۹۸ درقانون اساسی آن کشور مادهای برای حق انتخاب کردن زنها نیز پیش بینی شده بود و چون در جنگهای استقلالی وجدا شدن نوروژ از سوئد بانوان نوروژ کمکهای شایانی به مردان خود نمودند

لذا قبل ازجنگ بین المللی حق انتخاب کردن و ورود ببعضی مسائل و امورات اجتماعی را دریافت نمودند .

زنان نوروژ با متانت و حسن اخلاق و عشق و علاقه بورزش بسیار معروف بوده و طبعا بزنان امریکائی خیلی شباهت دارند .

درسوئد ـ زنها دراوایل قرن بیستم در تاریخ ۱۹۰۴ جمعیتهای متعددی ازخود منعقد نموده و در سال ۱۹۱۱ در تمام کشور سوئد عدهٔ این مجامع به ۱۸۱ شماره بالغ گردید و با تمام جدیت شروع بتبلیغ برای نهضت زنان نمودند و حزب آزادیخواهان نیز برای وصول بمقصود بآنها کمکهای زیاد کرد درسال ۱۹۱۸ در مجلس شورای ملی حق انتخاب بزن ها داده شد و اجرای عمل موکول بموافقت و تصویب مجلس سنا گردید و در سالهای بعد زنان سوئد موفق باخذ و استرداد تمام حقوق خود شدند .

درقرن بیستم ادیبهٔ مشهور و نویسنده زبردست «خانم سلمالاگرلوف» از اعیان معروف سوئدی میباشد که آثار و تالیفات و منظومات این بانو درتمام دنیا معروفیتی بسزا داشته و موفق باخذ جائزه نوبل گردیده است .

فنلاند ـ باآنکه در همسایگی روسیه واقع و خالی از تاثیرات ونفوذ آن ملت نبوده در مسئله حق انتخاب کردن و بر گزیده شدن بانوان بمطالبات آنها خیلی زود و قبل از سایر کشور های اروپا

اجابت نموده و در سال ۱۹۰۷ در مجلس شورای ملی شهر هلسنگفور پایتخت آن کشور یازده نفر زن نماینده داشته است که معروفترین آنها «خانم آن فوره مال» میباشد که این بانو متجاوز از پانزده سال است دائم «نمایندگی انتخاب میشود و یکی از بزرگترین روزنامه‌های کشور خودرا اداره میکند .

در اتریش و هنگری - زنها حق دارند بر خود ببالند زیرا از دیر زمانی خیلی زود تر از اغلب زنان سائر دول اروپائی حقوق خود را دارا می باشند چون در تاریخ ۱۸۶۱ در قانون مجلس دیت آن کشور حق انتخاب بدون تفاوت جنسی ثبت شده بود .

در تاریخ ۱۹۰۷ بانوان اتریش مجمع زنان را دائر نمودند که عده اعضاء آن متجاوز از چهار هزار نفر بوده وروزنامهٔ مخصوصی را منتشر می ساختند و در سال ۱۹۱۲ این مجمع تقاضانامه‌ای به مجلس شورای ملی تقدیم داشته و در مقابل ۱۵۰ رای موافق ۹۰ رای مخالف انتخاب شدن زنها بنمایندگی بتصویب رسید «خانم ویکوفا - کوناتیکا» در اروپا بعد از زن فنلاندی اولین بانوئی بود که بمقام نمایندگی نائل آمد در انتخاب ۱۹۲۰ ازحزب سوسیال دموکرات ده نفر زن وکیل انتخاب شد همان قیاس از حزب های دیگر حتی زنها در آن موقع بمقام سفارت و حکومت هم نائل آمده «خانم سیفماره» سویس بسمت سفارت و ابلچیگری ارسال گردید .

یوگوسلاوی و کشور های شبه جزیره بالکان

بعد از جنگ عمومی در کشوری که بنام یوگوسلاوی تشکیل یافته آهسته آهسته اوضاع زنان رونقی گرفته و بعضی از بانوان آن در عالم دانش و ادب کسب معروفیت نمودند از آنجمله «خانم کونلیکا» باتالیفات مهم خویش نظر توجه و محبت عموم را نسبت بخود جلب کرده وبعد از دریافت حق انتخاب زن یوگوسلاوی در مجلس شورای ملی آنجا بکرسی نمایندگی نشست

زن بلغاری هم مانند زن یوگوسلاوی فقط در قرن بیستم خصوصا بعد از جنگ بین المللی نهضتی نموده و بعد از آنکه زنان سائر کشورهای اروپائی شروع به تقاضا های خود نمودند زن بلغاری نیز به آنها تاسی کرده ومجامع زنان تشکیل داده و روزنامهٔ «صدای زنان» را در مطالبه حقوق خود منتشر ساختند .

زنان بلغار یاران و مخلصین زیادی نسبت بنهضت زنان در دور خود جمع کرده و در سال ۱۹۱۸ لایحه ای برای حق انتخاب ملی واستخدام زنها بامورات کشوری بدولت تقدیم نموده ودر سالهای بعد همواره تقاضا های خودرا تکرار کردند

در اسپانیا هم قضیه نهضت زنان نسبت بسائر کشور های اروپا عقبتر بوده باهمه این مابین زنان آنجا عده ای از بانوان فاضله و دانشمند بظهور رسیده اند که معروفترین آنها «بانو اسپینوزا» رئیس «مجمع زنان اسپانیائی» می باشد که وی یکی از بانوان معروف وباعث افتخاراست و در حق زن اسپانیائی در نوشته های خود چنین اظهار عقیده مینماید «اگرچه زنها در اسپانیا هنوز حق انتخاب ندارند ولی درسائر شئون اجتماعی و در انجام وظائف ملی وواجبات میهن هرگاز زنان

سایر کشور ها عقب نیستند .

چون این بانو در قوانین دول تخصص وید طولائی داشته لذا بریاست فرهنگستان کیشها و قوانین دعوت شده و اول زنیست که باینمقام نائل گردیده است آثار و تالیفات و نظریات این خانم در قرن کنونی مشهور و حائز اهمیت میباشد

جنگ بین المللی نیز در حق زن اسپانیائی تاثیرات و نتائج نیکو بخشیده و در سال ۱۹۳۱ بزنها اجازه ورود بدانشکده ها و تمام موسسات علمی داده شد و روح نهضت و وجد و شعف آزادی را در دل او بیدار نمود اما هنوز نتوانسته است آنچه که در حقوق اجتماعی کمال مطلوب اوست بدست آورد زیرا مردان اسپانیائی درمحافظه کاری بسیار مصر و ثابتند

حالیه در جنگهای اسپانیائی زنها رل مهمی را بازی نموده و مخصوصا دختران و بانوان جوان وارد قشون شده مانند مردان میجنگند .

در چند ماه قبل خبر یك دختر خلبان اسپانیولی که هفت هواپیمای طرف را سرنگون ساخته و بیش از هفده سال نداشت یك مثال و نمونه کاملی از رشادت و شجاعت زن اسپانیولی را نشان داد

در پرتگال بانو « هوبرتین اکلر » پرتگالی در « جمعیت زنان خواستاران حق انتخاب فرانسه » سمت ریاست دبیرخانه و نایب رئیسی جمعیت را داشته و ضمنا برای نهضت و بیداری زنان کشور خویش نیز خدمت میکرد

لذا در تاریخ ۱۹۱۰ رساله ای راجع بمنافع و فوائد زنها در شرکت امور اجتماعی و داده شدن حق انتخاب بزنها تدوین نموده و بحکومت موقتی جمهوری پرتگال ارسال واسترداد حقوق همجنسان خود را مطالبه نمود

از بانوان دانشمند وفعال و زرنگ پرتگال خانم « کارولینا آنژملو » نیز در شهر لیسبون یك جمعیت زنان دائر نمود .

این بانو قانون اساسی کشور خویش را دقیقا مطالعه کرده و به این نکته پی برد که در آن حق انتخاب به عموم میهن نشینان بدون ذکر تفاوت جنسی قید و ثبت شده است لذا از آن ماده استفاده نموده وداوطلب نمایندگی گشته و اسم خود را در لوح نمایندگان داوطلب ثبت گردانید . چون در پرتگال هنوز افکار عامه مساعد برزنها نبود لذا این اقدام در همه جا توجه جلب شد ! !

ولی بانو آنژملو بخوبی از حقوق خود دفاع نموده و تبرئه گردید

اما این واقعه مرد پرتگالی را باین فکر انداخت که در باره بقانون انتخابات تجدید نظر نموده و تبصره ای بر آن اضافه نماید که این حق منحصر بمردان است

حالیه زنان پرتگالی حق ورود بتمام هنرهای آزاد و دانشکده ها و مؤسسات علمی را دارا می باشند .

دور ترقی اروپ — پیشرفت سریع تمدن فرنگستان در کشورهای مشرق زمین بیش از آنچه که متصور بود تاثیرات خود را بخشیده و آنها را از خواب های سنگینی که فرو رفته بودند بیدار کرده و یك یك به رهبری پیشوایان بزرگ خود از قید و تسلط رهانید و مردمان شرق باین فکر افتادند که خود را از قیود و بند های بعضی عادات و رویه هائی که دست و پای آنها را محکم بسته و مانع پیشرفت و تعالی آنها

بود برهانند ملت ژاپون دور خاور دور را به
اندازه سریع روبه تکامل و ترقی [illegible]
که مغربیان را غرق حیرت و اعجاب نموده
بر روی این عقیده و نظریه «هوگو نتار
لوبون» معروف که نژاد زرد همواره
مقهور و مادون نژاد سفید است قلم بطلان
کشید و اورا بخطا و اشتباه خود معترف
گردانید .

از این جنبش و فعالیتی که در کشور
ژاپون پدید آمده زنها نیز نصیب وافری
داشتند . زن ژاپونی با قناعت و صرفه
جوئی و فعالیت زیرکی در پیشرفت و
تعالی کشور خویش عامل مؤثری محسوب
میشود . مورد بارزی از تحمل زن ژاپونی
به انواع سختیها و قناعت او بمزد های
اندك وتا حدی از اسرار عمده ارزانی و
رواج کالا های ژاپون در بازارهای دنیا
می باشد .

زنان ژاپنی سخت پایبند عادات و عقاید
کشور خود بوده و همواره سعی دارند
از مدنیت مغرب آنچه که برای ترقیاتها
در ساحه فضل و هنر و دانش لازم است اخذ
و اقتباس نموده و از آن قسمت هائی که
مضر اخلاق و باعث فساد است اجتناب و
جلوگیری نمایند

بانوان ژاپن میل و رغبت شدیدی به
کسب دانش و هنر اظهار نموده و در تمام
دانشکده های آن کشور وارد شده و
مشغول تحصیل می باشند و علاوه
مخصوص دختران هم در تمام کشور ژاپن
سه دانشکده طبی پنج دانشکده [illegible]
و پنج دانشکده دندان سازی موجود است
تنها در شهر توکیو ده شماره هنرستان
موسیقی و صنایع ظریفه و شش شماره
دبیرستان تجارت و پانزده دانشکده
قابلگی و پرستاری و شش آموزشگاه
[illegible] و دفتر داری
برای استفاده دختران جوان دائر میباشد
عده کثیری از بانوان و دختران ژاپونی
هم در دانشگاه ها و هنرستانهای کشور
های اروپا وارد گشته با کمال دقت و
علاقه ای که از خصایص زنان آن ملت است
رشته های [illegible] و انواع و اقسام علوم و
فنون را تعقیب مینمایند

زنان ژاپن مخصوصا در این سالهای
اخیر نسبت بورزش و بازیهای ورزشی
توجه مخصوص و میل مفرطی نشان میدهند
در بازیهای المپیك ۱۹۳۶ ملاحظه در برلن
عده شرکت کنندگان زن ژاپونی از عده
سایر زنان کشورهای مشرق زمین بیشتر
بوده و بالخصوص در انواع و اقسام شنا
و جستن [illegible] از ارتفاعات بلند مهارت
زیادی نشان داده و در این قسمت مدالهای
درجه یکم نصیب آنان گشت

چنانچه در مواقع عادی و صلح زن
ژاپونی دائم برای ترقی و تعالی کشور
خود همت و جدیت میکند در مواقع جنگ
و مصائب نیز همان نحو یاور و معین مردان خود
است حتی بانوان از اعیان واشراف و درجه
یکم هم با نهایت رشادت و پرستاری درجنگ
وارد گشته و از زخمی دیدگان پرستاری
و محافظت میکنند چنانچه اخیرا خانم
«فوجیکو ناکوری» عیال فرمانده کل
نیروی ژاپن در چین در بیمارستان صلیب
احمر «حاج صرخ» بسمت پرستاری داخل
خدمت گردیده است در ژاپون انجمنهای
مخصوصی از طرف بانوان برای اصلاح

وپیشرفت زنان دائرشده ودر تمام کشور بیست ودو انجمن خیریه وچهارده انجمن راجع بوضعیت سیاسی و اقتصادی زن و و چندین انجمن دیگر برای پیدا کردن شغل بخانمها وترویج هنرهای آنها موجود است .

درعالم مطبوعات نیز زنان ژاپن خیلی پیشرفت کرده تقریبا ماهی پانزده مجله مخصوص خانمها چاپ و منتشر میشود که در آنها ازمسائل لازمه وراجع بخانه‌داری وقطعات ادبی و منظومات و اشعار زنان طبع میشود یکی از این مجلات مجله معروف « کدبانو » است که ماهیانه در حدود پانصد هزار جلد چاپ شده و در تمام کشور ژاپن منتشر میگردد

بسیاری اززنان ژاپن دوشادوش آزاد مانند مردان کار میکنند ومخصوصا بمسائل تعلیم وتربیت وآموزگاری شوق زیادی نشان میدهند که تنها در دبستان های آنکشور متجاوز از [illegible] هزار آموزگار زن مشغول تدریس است وبیش از [illegible] هزار هم در ادارات ودوائر دولتی داخل خدمت گردیده اند و زنان ادیبه و فاضله معروف در ژاپون خیلی زیاد است.

خلاصه اکنون زنان ژاپون در عالم تمدن ودانش ومعرفت خیلی پیشرفت کرده واز تمام حقوق اجتماعی بهره کافی دارند اما هنوز تاحال بحق انتخاب نائل نگردیده و مشغول جدیت و اقدامات در این زمینه می باشند .

در چین — بانوان چین نیز در قرن بیستم متوجه این نکته شدند که پابند و اسیر عادات قدیم بودن و بانوان ها و قالب ها پای خود را بعنوان ظرافت و زیبائی کوچک کرده در کنج خانه نشستن تناسبی با احتیاجات و تقاضا های این قرن ندارد علی الخصوص که در مقابل دشمنان وهم نژادان قوی همواره مترصد فرصت بوده واز غفلت واهمال او استفاده میکنند لذا دراوائل قرن بیستم درکشور آسمانی چین نیز در میان بانوان یک جنبش ونهضت جدیدی پدیدار گشته و زنها توجهی نسبت بتحصیل وتربیت خود نشان داده وجمعیت زنان را برای اصلاح وضعیت حال خود دائر نمودند که درسنوات ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ اعضاء این مجمع خیلی جدیت وتلاش کرده و از دولت اجازه ورود دختران را بدانشگاه وتمام مؤسسات [illegible] نموده و در سال ۱۹۱۴ [illegible] زنان در [illegible] خود موفق گشته حق ورود بدانشگاه را استحصال نمودند وبه دانشگده های طب و ادبیات وحقوق و فنی در شهرستانهای پکن و نانکن وارد شدند وبسیاری ازدختران جوان نیز برای تکمیل تحصیلات و دریافت درجه دکترا بکشورهای اروپاوامریکامسافرت نمودند؛

زنان چین پس از حصول موفقیت در ناحیه دانش و ادب یواش یواش برای بدست آوردن حقوق سیاسی خود نیز اقداماتی کرده ودرسال ۱۹۲۲ دانشجویان دختر دانشگاه پکن بمنظور تحصیل حق انتخاب بزنها جمعیتی تاسیس دادند ومجمع بانوان نیز با اینجمعیت دست اتحاد و اتفاق بهم داده ودرهرطرف دراینخصوص مشغول تبلیغات شده و بالاخره در اواخر همان سال زن ها مقام نمایندگی را در مجلس شورای ملی پکن احرازنمودند

زنان چین در سال ۱۹۳۵ روزنامهٔ مخصوص زنان بنام «کشور آسمان» را دائر کردند که تمام امورات آن را بدست خود اداره نموده و مردان را در اداره و تحریر آن شرکت نمی دادند و این روزنامه در تمام اقطار و اکناف کشور وسیع چین انتشار یافته در حقوق اصلی زن و موقعیت اجتماعی او در آن روزنامه شرح وتوضیحات مفصلی نگاشته میشد چون خیلی از مردان چینی تعصبهای بیجا درحق زنان خود داشته لذا نهضت زنها در آن کشور گاه گاهی مصادف به انواع مخالفتها و ارتجاعات میشود بهمین جهت بانوان دانشمند چین برای مقاومت با آنها دائم دست یگانگی و اتحاد بهم داده و متفقا در جلوگیری آن کوشش میکنند همین ثبات و پایداری آنها باعث شد که زنان در امورات سیاسی و قضائی مقامات مهمی را اشغال کرده حتی در امورات لشکری هواپیمائی پلیسی و غیره نیز وارد و مانند مردان مشغول شوند

چنانچه در این اواخر ظهور یك بانوی مشهور فعال وشجاع چینی عالمیان را بشگفت انداخته است که آنهم همسر پیشوا و رئیس کل قوای چینی «خانم چان کای شك» میباشد

این بانو و خواهر او که عیال «سون یات سن» رئیس جمهور سابق و موسس «مجمع تربیت سیاسی زن» چین است از بانوان دانشمند نامی و فعال چین میباشند؛

از ابتدای شروع جنگهای چین و ژاپون فعلی ریاست قوای هوائی چین به «بانو چان کای شك» محول گشته است که وی از عهدهٔ ادارهٔ این ماموریت خطیر و دشوار خود بخوبی بر می آید و در شور اهای جنگ شرکت کرده با سرداران کشور راجع باوضاع جنگ دائم تبادل نظر میکند واینخانم یکی ازعوامل محرك و مشوق عمدهٔ نیروی چین بوده و دائم در تشویق اهالی و افراد چین در حفظ ودفاع میهن مقالهها و اعلامیههای هیجان انگیز نشر و پخش مینماید و درمجلهها و روزنامه های کشورهای خارجه مرتبا مقالاتی نگاشته و نوشتههای او دائم مورد پسند و توجه واقع میگردد و ازاین راه خدمت بزرگی بدولت و ملت خود انجام می دهد .

در هندوستان نیز در قرن بیستم جنبش و فعالیت مخصوص در عالم زنان حادث گشته و جمعیتهای متعددی مرکب از بانوان هند و پارسیان تشکیل گردیده که در آن مجامع خدمات و فعالیت خانمهای پارسی نژاد فوق العاده جالب توجه است

مخصوصا در سال ۱۹۱۹ این مجامع در هندوستان خیلی توسعه یافته و یك مجمع بزرگی بنام «مجمع عموم زنان هند» تاسیس یافت که این جمعیت در تمام آن کشور هشتاد شعبه دارد و سالی یکمرتبه در یکی از شهرستانها کنگرهٔ زنان هند را منعقد میسازد که در آن کنگرهها راجع بمسائل اجتماعی زنان مانند اصلاح قوانین زناشوئی و مسائل مربوطه به بهداشت و اخلاق زنان و حقوق اجتماعی آن ها مذاکره و گفتگو کرده و دراینخصوص ها تصمیماتی اتخاذ مینمایند .

و بدینوسیله بسیاری از عادات نکوهیده ومخالف قانون اجتماعی ومدنی که معمول و متداول بوده و ظلمهائی که درحق زنان

وارد می ساختند رفع و برطرف شده است .

از آنجمله سوزاندن زنان بیوه بعد از وفات شوهر و جلوگیری از شیوع فساد اخلاق و جلوگیری از ازدواج دختران خرد سال و وضع سن معین برای زناشوئی دختران وغیره میباشد .

اکنون در هر یک از این قسمتها قوانینی وضع شده است که بحال زنان بسیار نافع و نیکو بوده و حقوق آنهارا حمایت ودفاع میکند .

و یکی دیگر از موفقیات مجمع مذکور اینست که در بسیاری از شهرستان های هندوستان زنها حق شرکت در انجمنهای شهرداری را بدست آورده و در بعضی استانها مانند استان « برمه » مادر اس بنگاله از تاریخ ۱۹۲۱ بعمل حق انتخابات نیز نائل گشته اند حتی در استان « میسور » استحقاق زن در شرکت تمام امور سیاسی و اجتماعی محرز و اعلام شده و زن ها در آن نواحی از تمام حقوق خود بهره مند میباشند .

« خانم سارو جینا نایدو » رئیس انجمن زنان میهن پرست و « خانم شاهنواز » و «خانم زربانوی» پارسی از بانوان نامی هند در این قرن میباشند که زربانو خانم ساکن شهر بمبی است و وی نخستین زنی میباشد که در هندوستان موفق باخذ درجه دکترا در حقوق گشته و در محکمه عالی بمبی عضویت یافته و یکی از وکلای زبر دست آنجا بوده است و اغلب در مجالس و انجمنها نطقهای مفید و مهیجی ایراد میکرد .

بانوان پارسی هند مؤسسات بسیار در امورات خیریه و عام المنفعه دائر نموده و برای بهبودی اوضاع بانوان هند خیلی کوشش نموده و از زنان فقیر و بی بضاعت دستگیری می کنند و با بذل و احسان بسیار معروف اند چنانچه یکی از بانوان پارسی آنجا مرتن بانو عدالجی باجیبهوی برای ساختمان یکباب آموزشگاه دخترانه زرتشتیان در طهران ۱۴۳۵۰۰۰ ریال اعانه بخشیده است .

زنان هند اکنون مقام مهمی را در جامعه احراز نموده و در سمتهای مهم دولتی و قضاوت و وکالت و طبابت و در ادارات معارفی مشغول کار هستند و از بانوان ادیبه و روزنامه نگار میان آنها پیدا شده است که با کمال همت و رشادت کمک مردان خود شده برای آزادی و استقلال کشور خویش و تعالی هم جنسان و هم نوعان خود دائم مشغول تبلیغات هستند حتی گاندی زعیم مشهور هندیان مواقع تصمیم باعتکاف و خاموشی یکی از بانوان نامی هند ادیبه مشهوره و رئیس مجمع زنان « بانو سارو جینا نایدو » را بجانشینی خود برگزید که این مسئله مقام و مرتبت زن را در کشور کنونی هند بخوبی معلوم میدارد .

در ترکیه

زنان ترکیه در اوائل قرن بیستم سخت گرفتار تعصبات ملی و مذهبی و مقید بستر و حجاب بوده و در تاریکی و جهالت زندگانی میکردند ولی از آنجائی که موقعیت جغرافیائی ترکیه میان شرق و غرب واقع گشته و همسایهٔ نزدیک اروپا است لذا بانوان ترک نیز نهضت و فعالیت جدیدی که در همسایگی خود در زنان کشورهای اروپا بجریان افتاده بود زود بجنبش و هیجان آمده و بعضی از بانوان

نامی جمعیتهائی تشکیل داده و جسته جسته
صدای آنها برای دریافت حقوق
اجتماعی و سیاسی از مقامات مربوطه
بلند شد وعده‌ای از بانوان ادیبه وفاضله
مانند «فاطمه علیه خانم» و «نگار خانم»
«بشاوزیبه خانم» «خالده ادیب خانم» در عالم
شعر و ادب قدم گذارده با تالیف و انتشار
آثار منظوم و منثور خود در تحریك و
تشویق زنان ترك برای پیشرفت و اخذ از
مقام وموقعیت در عالم اجتماع کوشش نمودند
در این ضمن جنگ بین‌المللی فرا رسید
زنان ترك نیز در آن موقع که واجبات میهن
پرستی و وظائف ملی خود را بسیار خوب
انجام داده و از هر حیث کمك بافراد ارتش
مضایقه نکرده و خیلی از بانوان اعیان ترکیه بسمت
پرستاری وارد خدمت در ارتش شدند و
این خدمت و فدا کاری آنها نتائج بسیار
مفید و نیکو بخشیده و قدر و مقام زن
ترك را بالا برده در عالم اجتماع منزلت
و موقعیت مهمی را حائز گردید و باشتراك
و تکامل در زن ترك آشکار شده و در پاداش
آن «در خاتمه جنگ بین‌المللی» بزودی
زنها در تمام پیشه های اجتماعی و دانشکده ها
اجازه داده شد .

ولی سعادت و کامیابی حقیقی زنان ترك
با زمامداری حضرت اتاترك قائد توانای
و رئیس جمهوری ترکیه شروع میشود
زیرا زنان ترك که تا آنروز از بسیاری
حقوق اجتماعی محروم بودند یکباره به
تمام آن نائل گشته و از قیدهای ننگین
بعضی عادات نا معقول و سنتهای نابجا که
جهل ونادانی خلاصی یافته و با کمال شادی
وخرسندی از نعمت وموهبت آزادی بهره
مند گشتند که اکنون تمام تفاوت ها ای
حقوقی و امتیازاتی که مابین زن
و مرد موجود بوده از میان برداشته شده
و در کلیه مراحل علمی و ادبی ، اجتماعی
و سیاسی وقانون مدنی زن و مرد متساویا
سهیم و شریك میباشند وحالا هیجده نفر
نماینده زن در کرسیهای مجلس شورای
ملی آن کشور نشسته و مانند مردان آن
سرزمین اظهار رای و عقیده نموده و حق
بجانب را کلام خوانند .

در محکمه های عالی ترکیه پانزده
نفر قاضی و سی نفر وکیل عدلیه عضویت
یافته‌اند قریب صد نفر از اعضاء وزارت
خارجه زن هستند وعده زیادی طبیب ومهندس
و دندانساز زن در آن کشور موجود است
حتی زنها در امورات شهربانی نیز شرکت
جسته عده ای زن پلیس مشغول خدمت
هستند .

رئیس مامور های اطفائیه هوائی ترکیه
حتی جوانان و رشیده خانم صبیحه دختر
خوانده آتا ترك بوده و بخوبی موفق به
اداره و سربان آن گشت

در مصر ـ نهضت میان زنها در مصر
در زمان محمد علی پاشا شروع میشود
خدیو نامبرده در موقع تاسیس و اصلاح
آموزشگاه های پسران بافتتاح چهار
آموزشگاه برای دوشیزگان فرمان داد و
مردم هم در تعقیب آن برای تحصیل و
تربیت دخترهای خود میل ورغبتی احساس
کرده و پرورش علم و دانش میان
بانوان مصر رواج یافت که ادیبه ها و
شاعره های معروف بظهور رسیده و در
روزنامه ها مقالاتی نوشته و روح نهضت
و انقلاب در آنها بیدار شد و تالیفات قاسم
امین بیك مانند تحریر المراة والمراة ـ

الجدیده از نویسندگان معروف مصر در
اوائل قرن بیستم برای پیشرفت نهضت
نسوان خیلی کمک کرد مخصوصا از سال
۱۹۱۹ ببعد یک فعالیت جدیدی در زنان
آن سرزمین مشهود گردید که از آنجمله
« هدی خانم » شعراوی مجمعی بنام
(اتحاد زنان مصر) تشکیل داده و
برای اصلاح موقعیت اجتماعی زن مصری
مجاهدات فوق العاده نمود حتی در تاریخ
۱۹۳۴ لایحه‌ای برای دریافت بعضی حقوق
اجتماعی زنان مصر تنظیم کرده بمجلس
شورای ملی تقدیم داشت که مختصری از
آن را در اینجا نقل میکنم :

« احتیاج به شرح و بسط در اطراف فواید
و برهانی نداریم برا اینکه همه میدانند که زن
بیشتر از نصف توده آن ملت را تشکیل
میدهند چنانچه تاریخ هم یگانه شاهد با
عظمت بر اینست که ترقی ملتها بسته بترقیات
زنهای آنها بوده و اصلاح حال زنان اصلاح
حال عموم است و شکی هم نداریم که
بهترین وجوه اصلاحات همانا تعدیل دانش
و تهذیب اخلاق آنها است و این هم عامل
عمده و حقیقی است که افراد را برای
تهیه احتیاجات و ضروریات خود و میهن
خود حاضر و آماده مینماید لذا ما زنان
مصری از دولت و از پارلمان تقاضا
داریم که در اصلاح حال طبقه زنانه مطالب
زیر را از مجلس بگذرانند :

« ۱ — تساوی جنسین در تعلیم و
تدریس و باز شدن درهای مدارس عالی
و امتحانات عالی برای دخترها و ترغیب
و تشویق آنها مخصوصا بتحصیل علوم و
فنونی که بدان نیاز مندند »

« ۲ — تزیید شمارهٔ دبیرستانها برای
دختران . »

« ۳ — تشکیل ادارهٔ تعلیمات زنان از
تعلیمات مردان . »

« ۴ — تعیین زنان دانشمند و باتجربه
در تعلیم و تدریس و در مقدمات لازمه
زنان مجاری مردان و مواظبت کامل در
تعیین و تبدیل آنها بتدریج که دیگر از
مردها در آن مسند باقی نماند زیرا که
زنها بیش از مردها احتیاجات دختران را
میدانند و بیشتر از آنها بر میاری و ترقی
زنان کوشش مینمایند »

« ۵ — تعدیل قانون انتخابات و همکاری
زنان در حق انتخاب » ولو مقید بشرط
تحصیل و یا دارا بودن مالیات از مال و ملک
خود باشد » البته اعتراض در این پیشنهاد
دور از عقل و عدالت و انصاف میباشد
زیرا بهیچ وجه هیچ دلیلی اقامه نمیتوان
نمود براینکه بعضی از مردهای جاهل
دارای حق انتخاب کردن و انتخاب
شدن را دارا باشند و زنان دانشمند و
فاضله از این حق طبیعی محروم بوده و
از قوانین و احتیاجات کشور و میهن
خویش غافل و جاهل بمانند . »

« ۶ — اصلاح قوانین متداوله راجع
بزناشوئی بر طبق اساس دین اسلام و رعایت
عدالت کامله در اینمورد که یکی قانونی
وضع شود که مرد بیش از یک زن نتواند
گرفتن هم قانونی وضع شود که کسی
قدرت تطلیق زن خود را نداشته باشد مگر
در پیش قاضی که در اینمواقع اغلب قضاة شرع
یگانه موجب مصالحه و واسطه اصلاح میان
زوجین میشوند . »

فعالیت بانوان مصر در ساحهٔ دانش و

ادب پیشرفتهای نمایانی کرده و میان آنها ادیبه هائی مانند «خانم آلانسه دی» بظهور رسیده است که والاها خانم مشارالیها باعث افتخار زنان مصر بوده و بیشتر منظومه هائی که تراوش احساسات تند و تیز و قلب حساس اوست باغلب زبانهای خارجه ترجمه شده و در کشور های اروپا نیز معروفیت و شهرتی بسزا دارد.

بانوان مصر اکنون هم مجامع متعددی برای نهضت زنان داشته و دائم در آن مجامع برای تعلیم و تربیت زنان و بهبودی اوضاع اجتماعی بانوان آن کشور مساعی لازمه را مبذول میدارند.

کنگره های بین المللی زنان

یکی از امتیازات تمدن کنونی تشریک مساعی مابین دول برای تسهیل امور راجع بصلح و سلم در عالم و پیدا کردن راه حل بعضی از مسائل سیاسی و اجتماعی میباشد زیرا اغلب ملتهای روی زمین تاکنون بتجربه فهمیده اند که بعضی قضایائی موجود است که منفردا حل آنها امکان پذیر نبوده و توفیق و کامیابی خیلی دیر و بندرت نصیب آنها میگردد اما وقتی که توحید و تشریک مساعی و تبادل افکار بمیان آید زودتر و زودتر به نتیجه می رسند.

زنها نیز در قرن بیستم با شروع نهضت های خود در اغلب کشورهای گیتی زودتر از مردان این اصل مسلم را درک نموده و جمعیت های متعددی با اینمرام تشکیل دادند که فعلا سه جمعیت بزرگ مرکب از زنان کشور های مختلف بعنوان بنام های «جمعیت بین المللی زنان» «اتحاد زنان عالم برای صلح» «اتحاد جوانان دختر و پسر برای صلح» می باشد.

منشاء و ایجاد جمعیت بین المللی زنان در اواخر قرن نوزدهم در ممالک متحده امریکا است که جمعیت زنان آنجا در شهر واشنگتون از تمام بانوان استانهای کشور اتازونی بکنگره دعوت نموده و بعد بتدریج باین خیال افتاد که از زنان کشور های دیگر گیتی نیز باین کنگره دعوت نماید.

در سال ۱۸۹۷ زنان کشور آلمان و در ۱۸۹۸ انگلستان و سوئد باین کنگره وارد گشتند و در سال ۱۸۹۹ دومین کنگره بین المللی زنان در شهر لندن منعقد شد که این دفعه میان آنها از بانوان مشرق زمین زنان هندی مستور و چینی و ژاپونی و جاوائی نیز شرکت داشتند و بعد در تاریخ ۱۹۰۰ زنان ایطالیا و ۱۹۰۱ زنان فرانسه و آرژانتین و در ۱۹۰۳ استرالیای شمالی و غربی و سویس و اطریش در آن عضویت یافتند.

در تاریخ ۱۹۰۴ سومین کنگره زنان در برلن منعقد شد که اینمرتبه توفیقات جدید و پیشرفتهای زیادی نصیب بانوان گشت زیرا در آن کنگره مطالب مهمی راجع به بهبودی اوضاع و رفاه زنان و ترفیع و اعلای مقام زن در عالم صحبتهائی شده و هزاران زن باین کنگره عضو شدند و در سال ۱۹۰۶ کنگره چهارم در پاریس منعقد شد و روزنامههای آن کشور از چگونگی کنگره و مسائلی که در آن مطرح شده بود مفصلا بحث کردند و در آن تاریخ اعضای آن کنگره به ۱۱ ملیون زن رسیده بود که بعد از آن با سرعت حیرت آوری رو به فزونی گذاشت و از کشور های دیگر مجامع زنان متعددی بدان ملحق گشت در سال ۱۹۰۶ گروئنلاند در سال

۱۹۰۷ بلغاری وصرب بآن اضافه شده و عده ملل شرکت کننده به «۲۳» رسید و بعد سالهای جنگ بمیان آمده ومتوقف ماند

بعد از خاتمه جنگ درسال ۱۹۱۹ در ژنو ودر سال ۱۹۲۱ در شهر بال سویس منعقد گردید که این مرتبه عده دول شرکت کننده به «۳۶» بالغ گردیده بود وبعد در سال ۱۹۲۶ دوباره در پاریس انعقاد یافت که اینـدفعه از ملل خاور زمین مصروسوریه وایران نیز شرکت کرده بودند بعد مرتبا هردو سال یک مرتبه در یکی از کشور های شرکت کننده دائر شده ودو سال قبل جلسه آخری هم در اسلامبول یکی از شهرستان های ترکیه برقرار گردید که فعلا متجاوز از ۵۰ کشور درآن شرکت دارند و ریاست مجمع با « خانم کربت آشبی » بانوی دانشمند انگلیسی است

این مطلب مسلم است که زن بیش از مرد حساس وصاحب رقت وعاطفه بوده و دائم از جنگ و کشتار سخت گریزان است وعلت اصلی آنهم مادر بودن اومیباشد .

لذا ازآنوقتی که زن در اموراتاجتماعی بامرد شریک شده اولین جدیت واقدام او در راه صلح عالم بوده وبرای رسیدن بدین مقصود مجامعی دائر نموده که ازآنجمله جمعیت « اتحاد زنان عـالم برای صلح » می باشد که رئیس و مؤسس جمعیت « خانم کلارا گوتری دارسی » است که در تاریخ ۹ فوریه ۱۹۱۵ در شهر لاهه هلند آن دایر کرده ودر یکمین اجتماع آن ۱۱۳۶ زن از دوازده کشور مختلف درآن شرکت جستند ودرسال ۱۹۱۹ دومین کنگره خود را در زوریخ منعقدساختند که از چهارده کشور درآن شرکت یافته بود .

این کنگره سومین مرتبه در شهر وین در سال ۱۹۲۱ دائر گردیده و از بیست کشور ۲۰۰ نفر زن نماینده در آنجـا حاضر شدند و مسائل عمده ای که در آن کنگره مطرح شد عبارت از مواد زیر بود .

۱ - سعی برای ابقاء صلح در عالم وکوشش در تعدیل و اصلاح شدن معاهده و رسای که در آنجا مواد سخت و غیر ممکن الاجرا برای اتریش و آلمان پیشنهاد شده بود .

۲ - توجهات برای تعمیر و آبادانی بعضی شهرستانها که از جنگ خـرابی و خسارت زیاددیده بودند.

۳ - هر دولت بتدریج بتقلیل اسلحه بپردازد .

۴ - بکشورهای کوچک وضعیف برای تقویت کمکهائی بشود .

۵ - تمام اعضاء دولتهای شرکت کننده باید قول دهند که جدا از جنگ وکشتار پرهیز کنند .

۶ - تمام اعضای آن سعی وجدیت کنند که در کشور منسوبه خود دائم برای صلح و صفا تبلیغاتی نمایند وبتمام شعب بایـد مساعی خودرا در این نکته مبذول دارند که در آموزشگاه های کشور های آنهـا درسهائی راجع بمعنای حقیقی تمدن و منافع صلح وسلم و احترام بادیان وحقوق دیگران تعلیم وتدریس شود .

در سال ۱۹۲۴ اعضای ایـن جمعیت پنجمین کنگره خود را در شهرواشنگتن دائر نموده و به همکاری برای بر قرار داشتن صلح اندرها و عهدها بسته و تصمیم گرفتند که در همه جای گیتی به تبلیـغ

افکار خود جدیت نمایند . مخصوصا در ماه ژوئیه ۱۹۳۶ بیش از هزار نفر زن در کوچه‌های لندن و اطراف بریتانیای کبیر باتمام تظاهرات و اعلانات پیاده در خیابان ها حرکت نموده و در هر طرف خطابه ها و نطق های مهیجی بر ضد جنگ نمودند .

در مادهٔ اول برنامهٔ این جمعیت این مطالب نگاشته شده است :

« زن درروی زمین برای تولید محبت و عطوفت آفریده شده نه برای کمک در ایجاد نفرت و خصومت بدینجهت این مجمع تصمیم میگیرد که برای محو ونابود ساختن اهریمن بدی و دشمنی در گیتی و تولید محبت و اتحاد واتفاق میان افراد بشر با تمام قوای خود مجاهدت وفداکاری نماید .

ما برای درهم شکستن موانع بزرگی که ملتها را از هم دور و جدا کرده و باعث نفاق و عداوت میان آنها می شود علاج را در آن می‌بینیم که درمیان بانوان کشورهای گیتی رفاقت و صمیمیت برقرار ساخته و ضمنا در تحت نفوذ وتاثیر این قوه در قلب مردان نیز همین احساسات را تولید نموده و از این راه بمقام صلح کمک کنیم .

در سال ۱۹۳۴ اعضاء این جمعیت به ۴۵ میلیون زن رسیده و از ۵۶ کشور در آن عضویت داشته است و فعلا نیز بهمان نسبت که خوف و هراس از اشتعال نائره جنگ در عالم منتشر میشود بهمان اندازه شماره اعضاء این جمعیت رو بافزایش میگذارد .

اگر وضعیت وروحیه زن را از خلال صفحات تاریخ در ادوار مورد تدقیق و تفحص قرار دهیم خواهیم دید که زن قرن بیستم هیچ شباهتی با زنان قرنهای گذشته ندارد .

در ادوار گذشته زن تماما مقهور وامیر مرد در زندگی شده و عمر خود را در تاریکی و جهل گذرانده و نتوانسته است ماهیت واستعداد خودرا چنانکه بروز دهد اگرچه در آن میان گاه گاهی بعضی از آنها مانند ستارهٔ نورافشان شده و درخشیده اند ولی عدهٔ آنها بقدری کم و محدود بود که نتوانست تمام این عالم تاریک را روشن گرداند .

زیرا عقیده و آراء عموم برعلیه زن بوده و نظریه های غلط وکجی در باره او داشت و شیوع این افکار و عقاید ناقص در روحیهٔ زن نیز تاثیر عجیبی نموده و در حق خود عدم اعتماد و بد بینی تولید مینمود و در نتیجه او را ضعیف و عاجز و مقهور و زبون و اسیر مرد میساخت نه شریک و رفیق او در زندگی .

منتها این اسارت و حقارت او نسبت بکشورها و طبقه‌ها وعقیده‌ها و رنگهای مختلفی بخود میگرفت :

اگر جوان و زیبا بود محض تامین حس زیبا پرستی و التذاذ نفس او را بت و فرشته خوانده و ملعبه و عروسک میساختند .

اگر صاحب نفوذ و تمول و مقتدر بود از روی تملق و چاپلوسی بروی او خندیده و آلت استفاده قرار میدادند و اگر ادیبه و فاضله و دانشمندی میان آنها پیدا میشد عقیدهٔ عمومی باندازه‌ای منکر و مخالف آنها بود که مورد ریشخند و

تمسخر واقع گشته و برای آثار مولیر و امثال او پهلوان حکایت و موضوع مضحکه را تشکیل میداد :

اما زن قرن بیستم موفق شد که تمام این افکار پوچ و نظریه‌های باطل را از مخیلهٔ مردان با انصاف و با وجدان دور کرده و عموم را بلیاقت و استعداد خویش معترف گردانیده و اهلیت و استطاعت خود را در انجام هر امر و کاری نشان دهد .

خلاصه در قرون گذشته زن اسیر و زبون مرد بود و در قرن کنونی مساوی و برابر او در تمام مراحل زندگی . که میداند ؟ شاید در آتیه برتر و بالا تر از او و شاید قرن بیست و یکم قرن حکومت و فرمانفرمائی زن باشد که در تدابیر صلح جویانهٔ او گیتی نمونه ای از بهشت رفاه و سعادت و صلح و سلامت گردد .

هفدهم دی

یا روز سعادت بانوان

زنان اغلب کشور های متمدن در قرن بیستم سالیان دراز متحمل زحمات و صدمات گزافی شده و با هزاران موانع و مشکلات روبرو گردیده حتی در بعضی کشور ها زنجیر ها کشیده و خونابه ها خورده تا توانستند در جامعه مقامی را احراز نموده و اهلیت و استعداد خویش را برای دخالت و شراکت در امورات اجتماعی ثابت و از مزایای حقوق ملی و مدنی بهره‌مند شوند حتی در برخی از آنها هنوز هم با کمال جدیت و اصرار مشغول مجادله و کوشش برای اعلاء قدر و موقعیت و ارتقاء مقام و منزلت خویش می باشند و تا حال هم نتوانسته‌اند از موهبت و لذت آزادی بهره یاب و در آمال و مرام خود موفق و کامیاب گردند که شرح آن را بتفصیلی در مقالات مسلسل بعرض رساند

اما دوشیزگان عزیز ما ایران در اوائل قرن بیستم نه تنها از فشار زبونی و نادانی و اسارت زندگانی میکردند بلکه بنیان اجتماعی کشور سست و مشرف به زوال بود .

آنهائی که دوستدار و قدر شناس این کشور باستانی بودند این وضع فجیع را واتماشا کرده و از سقوط یک دولت تاریخی سه هزار ساله متأسف و غمناک میشدند و آنهائی هم که خود را در این امر بهره‌مند می دیدند دامن باین آتش زده و میخواستند در روی تلهای خاکستر آن برای خود بساط تمتع و استفاده چیده و بهره‌ها بردارند

در این گیرودار فرزند با همت و شجاع و راد مرد باحمیت ایران قد برافراشته و دست توانا و با اقتدار خود را بسوی ملت ستمدیده و افتاده دراز کرده و آنها را

بلند کرده و به کاروان پیشرفت و تمدن راهنمائی و و اداشت

در اینخصوص از هر گونه توجه و فدا کاری دریغ نکرده و دراین راه هر زحمت و مشقت را برخود هموار و هر مانع و مشکل را با خاك یکسان ساخت و هر بند و قیدی که بدست و پای این ملت بدبخت پیچیده و مانع حرکت و قدم برداشتن او در شاه راه ترقی و کمال بوده از هم گسیخته و دور انداخته و جاده را بلامانع و رادع وصاف و هموار بانها آماده و مهیا ساخت

میهن گرامی و محبوب ما ایران را جان نو بخشیده و بکالبد افسرده اش روح تازه دمید و رستگاری داده واو را بدرجه کشور های معظمه گیتی رسانده اهمیت و عظمت دیرینه از دست رفته را دو باره باو بخشید

درآن اوان بانوان حساس ایران نیز صدای نهضت و فعالیت زنان کشور های عالم را که درسر تاسر گیتی پیچیده بود میشنیدند ولی پرده های تاریك وسیاه و دیوارهای بلند و ضخیمی که دور آنها تشکیل شده و همه را درچاه بدبختی انداخته بود نمی گذاشت که این صدا بخوبی بگوشهای آنها برسد و در دل آنها طنین انداز شود و آنها را بجنبش و حرکت و فعالیت در آورد که گاهی بگوش بعضی از آنها این آواز دلنواز صدای ضعیف خود را رسانده وقلب آنها را بضربان و هیجان میانداخت و از آن متاثر شده مجامع وانجمنهای کوچکی تشکیل کرده و مجله ها و روز نامه هائی تاسیس میدادند ولی دست و پای آنها بازنجیر های محکمی بسته شده بود لذا موفق نمی گردیدند در یك محیطی که سراسر آفاق اورا تاریکی وابر های ظلمت و نادانی و تعصبهای بیجا پوشانده بود کاری از پیش ببرند ناچار در های آن مجامع بسته شده و آنروز نامها و مجله ها در طاق نسیان فراموش میشد.

ناجی بزرگوار و قائد توانا و یگانه خسرو ایران پرور اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی درضمن اصلاحات همایونیش بدین نکته عطف توجه فرمودند که اساسا نیمی از پیکر جامعه مادچار سستی وفلج شقی است و بهبودی این مریض محتاج به بهبودی کامل و بحرکت آمدن این نصفه تن او میباشد لذا در روز تاریخی ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ هنگام افتتاح دانش سرای مقدماتی تهران وجشن توزیع دانشنامه ها و گواهی نامه ها اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی وعلیا حضرت ملکه ایران و والا حضرتین شاهدختها به دانشسرا تشریف فرما شدند در آنجا شاهنشاه محبوب و معظم کشور ایران زنان ایرانی را غرق الطاف و عنایات شاهانه قرار داده و آنها را بخطاب « خواهران و دختران من » مفتخر و به آنها خاطر نشان فرمودند که روز ۱۷ دی ماه را برای خود یك روز بزرك و تاریخی بدانند و چند جمله از بیانات عالیه شاهانه در آنروز را که بانوان ایران باید آنها را همیشه آویزه گوش خود نموده وسر مشق زندگی خویش قرار دهند در اینجا نقل میشود

« بی اندازه خوشوقتم که می بینم خانم های ایرانی بزیور فضل و هنر آراسته و بحقوق و مزایای خود آشنا شده اند.

« زنهای ایران سابق بر این
چون از اجتماع خارج بودند نمی
توانستندوظیفه خود را نسبت بکشور
خویش کاملا ادا کنند ولی حالا
بمقامی رسیده اند که هم

« خواهران و دختران من! شما
اکنون که وارد اجتماع شده اید
باید بدانید که وظیفه بزرگ شما
کار و کوشش در راه میهن است
شما سعادت آینده کشور را بدست
دارید! شما مربی نسل آینده هستید
و انتظار من از شما خانمهای دانشمند
در این موقع که بحقوق و مزایای
خود آگاه شده و میخواهید خدمت
خود را نسبت بکشور انجام دهید
اینست که در زندگی قانع باشید و
باقتصاد وصرفه جوئی عادت کنید از
تجمل و اسراف بپرهیزید »

همینکه مژده این خبر در اطراف
منتشر شد از هر گوشه و کنار کشور بانوان
ایران به این نهضت آواز موافقت داده
باشادی وخرسندی کامل جشنهای باشکوه
ومجالی با فتخار این نهضت فرخنده و
خجسته دائر وباجنبش وتلاش مخصوصی
در برانداختن پرده های تاریک اوهام و
بدبختی بیکدیگر پیشروی گرفته وبسیاری
از بانوان بموسسات علمی و هنرستانها و
و دانشکده ها وارد و برای فرا گرفتن
تعلیمات عالیه وکسب هنر وفضائل شوق
وشعف مخصوصی ابراز داشتند.

روزهفدهم دی یکروز نوین وتاریخی
است که درحیات زن همه چیز را عوض
کرده زن ایرانی قبل ازآن تاریخ پیچیده
بچادره پرده های اسارت یک سایهٔ تاریک
یک خیال متحرک وموهوم و یک موجود
ناشناسی بیش نبود و کسی از او خبری
نداشت واین نه تنها یک پرده تاریک بود
که روی زیبا و اندام رعنای او را می
پوشانید بلکه یک مانع ضخیم وکوه پیکری
بود که میان اورا باوادی مدنیت وتجدد
حائل گشته و نمی گذاشت که جان و تن
او ازنسیم جانبخش تمدن تازه وزنده و
بهره مند شود

زن ایرانی نه تنها درزیر این چادر
ظلمانی بجهانیان واجنبیان ناشناس مانده
بود بلکه در کشور خویش نیز بیگانه
وغریب بوده و حتی قدرت شناسائی نفس
وموقعیت خویش را نیز نداشت

اغلب مردان کشور ما تاروز تاریخی
۱۷ دی حتی ملتفت هم نبودند که زنهم
در این گیتی حق حیات دارد و او هم
موجودیست که می تواند بسهم خویش برای
سود کشور وپیشرفت صنایع واقتصادیات
میهن کار کرده و خدماتی انجام دهد لذا
در این روز تاریخی قائد توانای ایران
چراغ راهنما بر سر راه حیات تاریک
زنهاگرفته وآنهارا ازخواب مستی ورخوت
بیدار ومراتب حقوق و مزایایشان را بانها
گوشزد فرمود طوق رقیت واسارت را
ازگردن آنهاباز وآنها را نیز بکاروان
نهضت وبیداری زن درعالم وارد کرده

حالا نکتهٔ مهم اینجا است که وظیفه
و تکالیف وروش زنان ایران در این
نهضت جدید و مقدس چیست ؟ و باید

چه راهی را پیش گیرند که بتوانند به نتیجه و غایهٔ این مقصود که منویات داهنشاه هم فقط از این نهضت شامل همان قسمت مطلوب است برسند ؟

خوشبختانه بانوان حساس و باقریحه ایران ازهمان ابتدای نهضت توانسته اند وضعیت و موقعیت خویش‌را نیك سنجیده با کمال متانت خود را بتجدد و تمدن آراسته در هرمجمع و محفلی بایك‌وضع لایق وآبرو مندی حرکت‌نموده واطرافیان را از این وقار و متانت و استعداد خود خرسند و شادمان سازند و مخصوصا در این مدت کم که بیش از دوسال ازعمر او نمی‌گذرد طوری باین‌وضعیت جدید خود آشنا شده و انس گرفته اند مانند اینست که سالیان دراز وضع و لباس آنها همان قرار بوده و حتی گاه‌گاهی خود آنها هم از تخطر اینکه یك‌وقتی در زندان‌ظلمت و حجاب زندگی میکردند منزجر شده و چسان‌بان زندگی ناگوار و ناشایست‌تحمل مینموده‌اند در اندر شگفت و حیرت اند

ولی این مطالب مسلم و جای تردید نیست‌که مقصود عمده از این تحول وتبدل اصلاح قسمت معنوی و عقلانی است و بانوان ایران باید بهمان اندازه که علاقه مند به تغییر و اصلاح پیکر و جامه و ظواهر خود هستند محققا باید پیش از آن به پرورش و تربیت قوای عقلانی و کسب‌دانش و کمالات همت و کوشش خودرا مصروف دارند و تصور نمایند که بایستی این کار در اوان کودکی شروع شده و اکنون از آن ثمره چنین بوده باشند بلکه در هر اوانی از عمر انسان میتواند از گنج دانش و هنر بهره‌مند گردد

بدینجهت لازم است که خانمها دردرجه یکم علم و دانش را در مد نظر داشته و همیشه در راه اخذ و ازدیاد آن کوشش کنند

اگر بخواهیم در اینجا از منافع و لذایذی که به روح آدمی از دانش وهنر عاید میشود یك‌یك شرح دهیم یقیناً محتاج بپر کردن صفحاتی است که در اینمقال میسر نمی باشد

ولی میتوانم همانقدر عرض کنم که آن عده از بانوان‌که تاکنون از دانش دور مانده نیز باید این نهضت ملی را با علم و دانش توام بسازند تا اوامر وفرمایشهای شاهانه را با هماهنگی خواهران دانشمند خودانجام داده وعضو فایده بخشی بکشور و جامعه خود شوند و واجبات ملی و میهنی خودرا چنانچه لازم است اداکنند وفرزندان خودرا اشخاص‌لایق وبرومندی بکشور بار آورند .

زنان کشور ما باید بدانند که امروز وضع جهان دگر گون شده و هرگز مقتضیات آن با مقتضیات گیتی دیروزی شبیه نیست .

هوای آنرا سخت انقلابات سیاسی و اقتصادی فراگرفته و افراد هرکشور اعم از زن ومرد تمام همت خود را در این قسمت مصروف میدارند که نجات وکامیابی نصیب ملت خود گردد و مخصوصا زنان هرکشور کمك وعامل عمده برای تامین این منظور بوده باکمال مجاهدت‌بمردان خود شراکت ورفاقت میکنند لذاهیچوقت بیکار ننشسته و وجود خود را عاطل و باطل نگذاشته و وقت خودرا بیهوده تلف نمی کنند .

باهمت بحران و گرانی کالا سخت

مقاومت نموده و میخواهند تأثیرات شدید
و ناگوار آن را با تدابیر صرفه جویانه
و با فعالیت و کار کردن رفع و باطل سازند

لذا ما زنهای ایرانی نیز باید همیشه
قناعت و صرفه جوئی را پیشه خود
ساخته و از اسراف و تبذیر کالا احتراز جوئیم

یك رفیق صمیمی و دوستدار حقیقی
در زندگی بمردان خود بوده و مادر خوب
برای فرزندان خود میباشیم !

قانون طبیعت یك وظیفه سنگین و در
عین حال بس مقدس و ارجمندی بدوشهای
ما گذاشته است که آنهم وظیفه مادری است
ما باید با تمام عشق و حرارت قلبی با
تمام رأفت و عطوفت و با تمام توجه و
دقت پسران خود را سربازان دانا و شجاع
و دختران خود را مادران دانا و مهربان
و هردو را با اندیشه نیك و گفتار نیك و
کردار نیك و شاه پرست و میهن دوست
ببار آوریم

ما در اینمدت تاریخ نهضت تمام کشور
ما را دیده و کیفیت آنرا ملاحظه کردیم
که در هیچ جای گیتی یك نهضتی باین
اندازه مهم و سترك و یك تحولی بدین
اندازه بزرك و بس شایان احترام و تمجید
در این مدت کوتاه با این همه سهولت و
آسانی بعمل نیامده است لذا ما زنان ایران
همیشه نسبت به آن پدر تاجدار خود که
دست توانای اعلیحضرتش ما را نجات داده
است سپاسگذار بوده و امیدواریم برای اجرای
منویات شاهانه سزاوار انجام وظایف باشیم
تا بحصول رضایت خاطر اعلیحضرت همایون
شاهنشاهی مفتخر گردیم